



# زندگی در غدير

جوایز مسابقه کتابخوانی غدیر درس زندگی

کمک هزینه حج عمره

کمک هزینه عتبات عالیات

کمک هزینه مشهد مقدس

قلم گویای قرآنی

و بسته های ارزشمند فرهنگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگي

غريبي





# غدیر درس زندگی

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی پژوهشی

مؤلف: رضا اخوی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

قطع: پالتویی

نوبت چاپ: پاییز ۱۳۹۳

شمارگان: ۵۰۰،۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سایت سازمان: [www.awqaf.ir](http://www.awqaf.ir)

سایت معاونت: [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir)

سایت مجتمع: [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir)

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه

معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خیابان جمهوری، کوچه ۱۶ و ۱۸، پ ۴۸،

مجتمع فرهنگی پژوهشی

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۶۰۴۲، فاکس: ۰۲۵-۳۲۹۳۶۰۴۳

اهدایی معاونت فرهنگی و اجتماعی  
سازمان اوقاف و امور خیریه

غیرقابل فروش



# فهرست

۷	فصل اول : دورنمایی از غدیر
۱۳	فصل دوم : روزهای ولایت
۲۱	فصل سوم : آموزه‌هایی از غدیر
۲۳	سارقان سرمایه
۳۰	شوخی با آیات الهی
۳۶	هجومه‌های روانی
۴۳	مَثَلِ کوه
۵۰	سازهای مخالف
۵۶	اولویت‌های زندگی
۶۱	مرتضای خدا
۶۹	کوچک‌انگاری گناه
۷۴	ورشکستگان معنوی
۷۹	احترام به سادات
۸۶	فامیل دور از خدا
۹۱	سایه سار محبت
۹۷	چشم به راه منجی
۱۰۵	نشانه‌های اهل ایمان
۱۱۳	پرسشنامه



## مقدمه

بارها شنیده ایم که غدیر یک قصه و حکایت تاریخی نیست که هر ساله به حکم شیعه بودن و دل در پرتو مهر مولا داشتن، ما را به تحرک و پویایی کشانده، به بازخوانی و مرور این واقعه پردازیم و وظیفه‌ی خویش را به انجام رسانیم. ناگفته روشن است که در روز غدیر به دیدار و ایستگان از نسل علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام رفتن و احترام و ارادت درونی خویش را نثار آنان نمودن، بسی ارجمند و زیباست؛ ولی آیا به همین مقدار بسنده کردن از غدیر، جفای به این واقعه عظیم نیست؟

مگر نه اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جمعیت فراوان و در آن گرمای سوزان، چند ساعت به سخنرانی و ارشاد مردم پرداختند و به صراحت فرمودند: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان، تا برپایی رستاخیز برسانند». یعنی نه تنها خود باید عامل به این گفتارها و ارشادهای هدایتگرانه باشند، بلکه همگان وظیفه دارند این واقعه را که با سرنوشت انسان، با سعادت و لحظه لحظه‌ی زندگی، پیوند ناگسستنی دارد، به نسل‌های دیگر منتقل نمایند و این ولایت‌پذیری را با سخن و رفتار خود، به فرزندان خویش برسانند و آنان را به چشمه‌ی تسنیم ولایت متصل نمایند؛ همانگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، علی علیه السلام در فردوس می‌نشیند، و فردوس کوهی است که بر تمام بهشت برتری و تفوق دارد، و بالاتر از آن عرش پروردگار جهانیان است، و از دامنه‌ی این کوه، نهرهای بهشت جاری است و در میان بهشت‌ها پخش می‌شود و علی علیه السلام بر منبری از نور نشسته، و چشمه‌ی تسنیم در مقابل او جاری است.



هیچکس از صراط عبور نمی کند، مگر آنکه با او سندی نسبت به ولایت علی و ولایت اهل بیتش بوده باشد. اینک ماییم و وظیفه ای که در پیش داریم تا هم خود بدانچه پیامبر ﷺ فرموده، عمل نماییم و هم فرزندان و دیگران را نیز بدان فراخوانیم و به سوی چشمه ی تسنیم ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) گام برداریم. ان شاءالله

از این رو معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه در راستای تبلیغ و گسترش فرهنگ غدیر، و در جهت انجام تکالیف خود در امر پیام رسانی، ضمن چاپ، نشر و توزیع کتاب غدیر درس زندگی و تبیین زوایای مختلف این واقعه بسیار مهم با بیان و قلمی رسا، اقدام به برگزاری مسابقه کتابخوانی از کتاب مذکور، نموده که امید است بخشی از وظیفه خود را در قبال این عید بزرگ ادا نماید.



معاونت فرهنگی و اجتماعی  
سازمان اوقاف و امور خیریه







دورنمایر از عید غدیر





با پایان یافتن مراسم حج، همگان به امر پیامبر ﷺ، مکه را به سوی غدیر خم ترک کردند. سیل جمعیت به سوی غدیر خم که بناست همه ی راه ها را به یک مقصد و مسیر سعادت بخش هدایت نماید، روانه شدند.

جمع حاجیان رفته رفته تکمیل می شد و مقداد، سلمان و عمار، مشغول آماده سازی جایگاه سخنرانی پیامبر بودند. فضا مملو از جمعیت بود و گرمای فرساینده و عطش بار، بیانگر خطیر بودن دستور پیامبر بود، به ویژه آنکه پیش از این اعلام کرده بود که این سفر، آخرین حج ایشان خواهد بود.

خورشید به وسط آسمان رسیده بود که صدای خوش اذان، ترنم ذکر و دعا را بر لبان حاجیان نشانده. نمازی زیبا و باشکوه با جمعیتی چند ده هزار نفری و به امامت رسول مهربانی ها، اقامه شد.



پس از مناجات با پروردگار، رسول خدا ﷺ بالای منبر ایستادند و علی ﷺ را نزد خود فراخواندند تا باز هم در کنار یکدیگر، مرحله ای حساس را آغاز نمایند و پیامبر، مهم ترین وظیفه و رسالت خویش را که مساوی با زحمات طاقت فرسای ۲۳ ساله ی اوست، به مردم ابلاغ نماید.

چشم ها به سمت پیامبر خیره شده بود و همگان مشتاق شنیدن سخنان حضرت بودند. نقطه ی اوج رسالت پیامبر خاتم و تمام پیامبران و انبیاء گذشته فرا رسیده بود و نه فقط آنها که در غدیر حاضرند؛ که افلاکیان نیز به تماشا آمده بودند. این محمد بن عبدالله؛ عبد خالص و برگزیده ی خدا؛ وارث تمام پیامبران پیشین و خاتم انبیاء و رُسل بود که از جانب خدا سخن می گوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ  
وَعَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا .....



صحبت‌های حضرت، جذاب و جامع بود و از مبانی و باورها گرفته، تا الطاف الهی بر بندگان، از مسیر روشن پیش رو، از خطرات و آسیب‌های احتمالی، از مکر و خدعه دشمنان و منافقان، از تقوا و پرهیزکاری، از مرگ و معاد، از نماز و روزه و زکات، از حلال و حرام، از اصول و فروع، همه را یادآوری فرمود تا رسید به شاه‌بیت سخن خویش که بفرماید همه‌ی اینها، باید به وسیله‌ی یک راه بر و راه نما صورت گیرد. کسی که مسیر را به خوبی می‌شناسد، از پس امتحانات گذشته به خوبی برآمده، شایستگی‌هایش ورد زبان همه است، فضیلت‌ها، علم و دانش، اخلاص و تعهد، شجاعت و صلابت و... همه را در بالاترین سطح دارد و مهم‌تر از همه، مورد پسند خدا و رسول اوست که وظیفه ابلاغ این انتخاب الهی و برگزیده شدن او به رهبری، به من واگذار شده است.

گویا دیگر همه فهمیده بودند که پیامبر از کدام رهبر و هدایتگر سخن می‌گوید؛ از علی فرزند ابوطالب، یار و یاور همیشگی نبیّ. ای مردم!

«او از طرف خداوند پیشوای شماست؛ و خداوند با پیشوایی او، دین‌تان را کامل کرد.»

«به او گوش دهید تا سلامت بمانید. از او اطاعت کنید تا هدایت شوید، نهی او را بپذیرید تا رشد یابید.»

«علی علیه السلام را بر دیگران فضیلت دهید. هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آن را در من جمع کرده و من آن را به علی آموخته‌ام.»

«صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده و پس از من علی علیه السلام است و آن‌گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه حقند که به حق و درستی راهنمایند و به آن عمل می‌کنند...»

بعد دستان علی علیه السلام را بالا بردند تا هر که طالب هدایت و



سعادت است، دست در دست او بگذارد.

ای مردم،

«خداوند ولیّ، سرپرست و اختیاردار من است و من بر شما و همه ی مؤمنان ولایت دارم. آگاه باشید، هر کسی که من ولیّ و صاحب اختیار او بودم، علی ابن ابیطالب علیه السلام مولای او خواهد بود».

اگرچه بیشتر مردم حاضر در غدیر، در اندکی زمانی، دست از دست او کشیدند، ولی دست هدایت علوی، همواره بالاست و تا همیشه ی تاریخ و برای تمامی ولایت مداران، محبان و حقیقت جویان، تالّو نور آن، رهایی بخش و دعوت کننده به سوی سعادت و خوشبختی است و انسان را به آزادی از زنجیرهای خودساخته فرا می خواند تا در پرتو نور ولایت از قید و بند گناه رهایی یافته به شادی و سرور حقیقی دست یازند.



وین سبب پیغمبر با اجتهاد  
نام خودوان علی مولانهاد  
گفت هر کورا منم مولا و دوست  
ابن عم من علی، مولای اوست  
کیست مولا آن که آزادت کند  
بندرقیت از پایت بر کند  
چون به آزادی نبوت هادی است  
مؤمنان راز انبیا آزادی است  
ای گروه مومنان شادی کنید  
همچو سرو و سوسن آزادی کنید<sup>۲</sup>

۱. بندگی و بردگی.

۲. مولوی، دفتر ششم، ابیات ۴۵۳۸ - ۴۵۴۱.







روزها و ولادت





## روزهای ولایت<sup>۳</sup>

پس از آنکه در غدیر خم، امیر مؤمنان علیه السلام به ولایت و رهبری برگزیده شدند، اتفاقات و حوادثی به وقوع پیوست که پیام ها و تلنگرهای فراوانی با خود به همراه داشت؛ پیام هایی که این انتخاب را از یک گزینش ساده و معمولی، به فرایندی عمیق و ژرف تبدیل ساخت تا فرصت هرگونه بهانه جویی و تفسیر نادرست را از دست مخالفان و منافقان بگیرد.

بیعت عمومی از تمام حاضر با زبان؛<sup>۴</sup> گذاشتن پیامبر صلی الله علیه و آله عمامه ی خود را به عنوان اعتماد و تأیید بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام؛<sup>۵</sup> اشعار «حسان بن ثابت» در مورد غدیر؛ آمدن جبرئیل علیه السلام به صورت یک انسان در جمع حاضران در غدیر؛<sup>۶</sup> نزول سنگی از آسمان و به درک واصل شدن اولین مخالف ولایت؛<sup>۷</sup> بیعت عملی با نشستن در خیمه ی و آمدن تک تک افراد برای بیعت حضوری و...، نمونه هایی از این پیام ها بود تا هرگونه شک و شبهه را از دل های بیمار دلان بزدايد و آنها را از مخالفت با برگزیده ی خدا، خلع سلاح نماید.

## برترین عید

افزون بر همه ی این تأکیدها و برنامه ها، حضرت رسول صلی الله علیه و آله سنت عید گرفتن غدیر را بنیان گذاردند تا همگان بدانند که تنها آن هنگام که به ولایت علی علیه السلام و فرزندان او تمسک بجویند و آنان را بر تمام ابعاد زندگی خویش حاکم سازند، آن زمان، عید حقیقی و روز شادی و سرور است و ارزش شادباش و تبریک به یکدیگر را دارد. بزرگان حدیث نقل کرده اند که پس از انتخاب

۳. ایام الولاية. پس از آنکه سه روز مراسم پر شور غدیر با بیان یافت، آن روزها به عنوان «ایام الولاية» در صفحات تاریخ نقش بست.  
۴. فرازی از سخنان پیامبر (ص) در خطبه غدیر: «معاشر الناس انکم اکثر من ان تصافقونی بکف واحدة فی وقت واحد و امرنی الله عزوجل ان اخذ من السننکم الاقرار بما عقدت لعلی من ائمة المؤمنین؛ ای مردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید، و خدای عزیز و جلیل دستور داده که برای امامت و ولایت علی علیه السلام از زبان شما اقرار بگیرم».

۵. الرياض النضرة، محب الدین طبری، ج ۳، ص ۲۱۷؛ الغدير، ج ۲، ص ۲۱۰.

۶. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۶۱.

۷. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۳۶.

علی علیه السلام به ولایت و نزول آیه اکمال دین، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هئونی هئونی، ان الله تعالیٰ خصنی بالنبوة و خص اهل بیتی بالامامة؛ به من تبریک بگویند، به من تبریک بگویند، زیرا خداوند مرا به پیامبری و اهل بیتم را به امامت ممتاز ساخته است»<sup>۸</sup>.

این سنت حسنه، باعث جاودانگی داستان غدیر خم و استواری، احیا و یادآوری باورهای مذکور در آن خطبه ی وحیانی و سخنان ملکوتی است که با برپایی جشن برای این روز تاریخی، عامل تجدید عهد و میثاق با ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و دیگر پیشوایان خواهد شد. به همین جهت است که تمامی معصومین علیهم السلام به پاسداشت و زنده نگه داشتن این عید اهتمام ویژه داشتند و با وجود تمامی فشارها از سوی مخالفان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام نور چراغ ولایت را روشن نگه داشتند تا این تحفه ی الهی به دست آخرین نور خدا، امام زمان علیه السلام برسد.

### پاسداشت غدیر توسط اهل بیت علیهم السلام

امیرمؤمنان علیه السلام چه پس از غصب خلافت و چه در زمان حکومت خویش، بارها به حدیث غدیر استدلال و احتجاج کردند. روزی در اجتماع بزرگ مردم کوفه به حدیث غدیر استناد کردند و فرمودند: «ای فرد فرد مسلمانانی که در روز غدیر حضور داشتید، شما را به خدا سوگند می دهیم، آیا شنیدید آنچه را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی من در خطابه غدیر خم بیان کرد؟

هفته نفر از سرشناسان و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از میان جمع به پا خاستند و گفتند: آری! ما شاهد بودیم هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله در غدیر خم دست تو را گرفت و فرمود: ای مردم! آیا می دانید که من از خود شما بر شما اولویت دارم؟ گفتند: بلی. در آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ؛ هر کس من مولای او

۸. مسند احمد ابن حنبل، ج ۴، ص ۲۸۱؛ تفسیر طبری، ج ۳، ص ۴۲۸. به نقل از الغدیر، ج ۱، ص ۲۴۴.





هستم، این علی هم مولای اوست. خدایا! دوست بدار هر کس که او را دوست می دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن می دارد!»<sup>۹</sup> آن حضرت در زمانی دیگر، در مسجد مدینه، چنین فرمود: «مگر رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم حجت را بر مردم تمام نکرد؟ مگر جای عذری برای مردم باقی مانده است؟»<sup>۱۰</sup>

امام حسین علیه السلام نیز دو سال قبل از مرگ معاویه، آن هنگام که برای زیارت خانه خدا به مکه مشرف شدند، گروه زیادی از مسلمانان را به یک همایش عمومی دعوت کردند و در فرازی از سخنان مبسوط و روشنگرانه‌ی خود درباره‌ی شخصیت مولای متقیان علی علیه السلام و اهمیت غدیر خم فرمودند: «شما را به خدا سوگند می دهم، آیا آگاهی دارید که رسول خدا ﷺ علی علیه السلام را در روز غدیر خم به رهبری امت و جانشینی خویش منصوب کرد و ولایت او را با جمله‌ی معروف خود اعلام و تأکید کرد: حاضرین به غائبین اطلاع دهند؟

همه گفتند: بلی، به خدا که ما از این جریان باخبریم»<sup>۱۱</sup>.

امام صادق علیه السلام در جمع یاران خودشان بودند که از عید غدیر و هجدهم ذی حجه سال دهم هجری سخن به میان آمد، آن حضرت از جدش پیامبر خدا ﷺ چنین نقل کرد: «برترین عیده‌های امت من روز غدیر است و آن روزی است که خداوند مرا امر کرد که علی علیه السلام را رهبر امت اسلامی قرار دهم تا مردم بعد از من، به وسیله‌ی او هدایت شوند و آن روزی است که خداوند [با اعلام وصایت و امامت علی علیه السلام]، دین خویش را کامل و نعمت‌هایش را بر امت تمام کرد و دین اسلام را [به عنوان آیین همیشگی]، برای آنان انتخاب کرد»<sup>۱۲</sup>.

۹. ینابیع المودة، شیخ سلیمان قندوزی، ج ۱، ص ۱۰۶.

۱۰. احتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۱۱. الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۹.

۱۲. «یوم الغدیر افضل اعیاد امتی و هو الیوم الذی امرنی الله - تعالی ذکره - فیه نصب اخی علی بن ابی طالب علما لامتی یهتدون به من بعدی و هو الیوم الذی اکمل الله فیه الدین و اتم علی امتی فیه النعمة و رضی لهم الاسلام دنیا». بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۹؛ الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۳.



«احمد بزنتی» از یاران امام رضا علیه السلام سخنان آن بزرگوار را در احتجاج و اهتمام به ماجرای غدیر چنین نقل کرده است: روزی به همراه گروه بسیاری در منزل حضرت رضا علیه السلام بودم. سخن از غدیر و اهمیت آن به میان آمد. برخی آن را از شعائر اسلامی دانستند و عده ای نیز چنین مناسبتی را انکار کردند.

بعد از گفت و گوی دیگران، حضرت رضا علیه السلام لب به سخن گشود و فرمود: «آسمانیان روز غدیر را بهتر از اهل زمین می شناسند. خداوند در بهشت برین، کاخ با عظمتی را برای خود اختصاص داده است. این قصر بهشتی تمام زیبایی های عالم را در خود دارد. روز غدیر، درب این قصر بزرگ باز می شود و فرشتگان و اهل آسمان ها، تسبیح گویان به آنجا داخل می شوند و در فضای معطر و نورانی اش به نام فاطمه زهراء علیها السلام به یکدیگر هدیه می دهند.

چون روز غدیر به پایان می رسد، به فرشتگان گفته می شود: به جایگاه های خویش برگردید! شما تا سال آینده مثل چنین روزی از اشتباه و لغزش در امان خواهید بود و بدانید همه ی این عطایا و موهبت های الهی، به خاطر عظمت پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و وصی او علی بن ابی طالب علیه السلام است.

[ای احمد! تو هم] هر جا که باشی، روز غدیر به سمت مرقد مطهر امیر مؤمنان علی علیه السلام بشتاب! چرا که خداوند متعال گناهان شصت ساله زائران با ایمان آن گرامی را می بخشد. در روز غدیر به برادران دینی خود اکرام و احسان کن و مردان و زنان با ایمان را خوشحال و مسرور گردان!<sup>۱۳</sup>

و در فرازهایی از دعای ندبه می خوانیم: «فَلَمَّا انْقَضَتْ آيَاتُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَ الْهُمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرُ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَ الْمَلَأَ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نصرَهُ

۱۳. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۹.



وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ قَالَ مَنْ كُنْتُ اَنَا وَ لِيَّهُ فَعَلِيُّ اَمِيْرُهُ: زمانی که مدت عمر پیامبر ﷺ به پایان رسید، [به دستور خداوند] وصی خود علی بن ابی طالب را - که درود خداوند بر آن بزرگواران و خاندانشان باد! - به [جانشینی خود و] هدایت مردم انتخاب کرد و چون او مُنْذِر بود و برای هر قومی هادی هست، پس رسول خدا ﷺ در حالی که همه امت در پیش رویش بودند، فرمود: هر کس را من پیشوا بوده ام، پس از من علی او را رهبر خواهد بود. خدایا! دوست بدار، هر کسی که علی را دوست دارد و دشمن دار آنکه با علی دشمنی کند و یاری کن هر کسی که علی را یاری کند و خوار گردان هر کسی که علی را خوار کند! و باز فرمود: هر کس را من ولیّ او هستم، علی امیر [و فرمانده اوست].

از آنجا که بیان سیره ی تمامی معصومین عليهم السلام باعث طولانی شدن مطلب می گردد، به همین مقدار بسنده می نماییم؛ آنچه مهم است اینکه پیام این پاسداشت ها و اهتمام ویژه ائمه عليهم السلام را درک نماییم و بدانیم که ماجرای غدیر، قصه و داستان تاریخی نیست، بلکه آینه ی ولایت پذیری و بستر تفکیک دوستان و دشمنان دین خداست و پیام ها و درس های غدیر، جاودانه، همیشگی و برای تمامی نسل هاست؛ همانگونه که امام خامنه ای فرمودند: غدیرخم، برای کسانی که اهل معنا و معنویت و درک حقایق اند، درس های فراوان، بی نهایت و فوق العاده ای دارد.<sup>۱۴</sup>

اینک ما نیز با گذر از زمان، خود را به جمعیت حاضر در غدیر رسانده، پای صحبت های الهی آخرین فرستاده خدا می نشینیم و آموزه هایی برای زندگی امروز توشه می گیریم، به امید آنکه با عمل به این سخنان، جزء شیعیان واقعی مولا قرار گرفته، مورد عنایت و شفاعت آن حضرت قرار بگیریم. ان شاء الله

۱۴. سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۶۹/۴/۲۰.





۳





آموزه‌های ارزغذیر





## سارقان سرپله

وَسَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي السَّلَامَ عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ  
- أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَادْغَالِ  
اللَّائِمِينَ وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي  
كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالْسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ.

و من از جبرئیل خواستم که از خدا بخواهد و مرا از تبلیغ این  
پیام - به شما ای مردم - معاف دارد، زیرا از کمی پرهیزکاران و  
زیادی منافقان و فساد و تباهی سرزنش کنندگان و مکر و حيله  
مسخره کنندگان اسلام باخبرم. همان کسانی که خداوند در توصیف  
آن‌ها در کتابش فرموده: «بازبان‌هایشان می‌گویند آنچه در دل‌هایشان

نیست

### پنجره‌ای روبه حقیقت

«أَصْبَغُ بْنُ نَبَاتَةَ»، یکی از یاران حضرت علی علیه السلام می‌گوید:  
در مسجد کوفه و در محضر امیرمؤمنان علی علیه السلام بودم که غلام  
سیاهی را به اتهام سرقت به محضر آن حضرت آوردند. بعد از سه  
بار اقرار وی به دزدی و اثبات آن، امام دستور داد تا دست راست  
او را قطع کنند. آن غلام با دست چپ، دست بریده‌ی خویش  
را در حالی که خون از آن می‌ریخت، برداشته و از محضر امام  
بیرون رفت. در این موقع یکی از خوارج و دشمنان حضرت به  
نام «ابن کوّاء» خواست از فرصت استفاده کند و آن غلام را که از

دوستداران اهل بیت علیهم السلام بود، به بدگویی بر علیه امام علی علیه السلام تحریک نماید، لذا به او گفت: «ای غلام دست تو را چه کسی قطع کرد؟!»

او پاسخ داد: «دست راستم را کسی برید که پیشوای متقیان و پسر عمو، برادر پیامبر صلی الله علیه و آله، شیر روی زمین، باران بیابان ها، کوبنده ی دشمنان و چراغ فروزان در تاریکی هاست. دست راستم را پیشوایی قطع کرد که قهرمان نبردهای بدر و احد بود. او سرور مکه و مدینه و ابطح است و از دودمان هاشم و قریش است.»

بعد از این مدح و ثنای زیبا، بلیغ و طولانی، راه خودش را گرفت و رفت. ابن کوا با شگفتی تمام خود را به محضر علی علیه السلام رسانده و گفت: ای پدر حسن و حسین! تو دست آن غلام سیاه را قطع کردی و او در کوچه و بازار با زیباترین عبارات و بهترین کلمات تو را مدح و ثنا می گوید.

امام دستور داد غلام را حاضر کنند. سپس از او پرسید: «ای غلام! من دست تو را بریدم و تو مرا مدح و ثنا می گویی؟!» او پاسخ داد: یا امیرالمؤمنین! تو دست مرا به حکم خداوند و رسول او بریدی و به حق بریده ای و به واجب خدا و رسول عمل کرده ای! چگونه تو را نستایم؟

امیرمؤمنان علیه السلام دست بریده ی او را گرفته و با عبای خود پوشانید و دو رکعت نماز خوانده و دعا کرد و بعد آن را بر جای خود قرار داد. آنگاه عبا را برداشت، دست غلام را به اذن الهی سالم یافتند.

آنگاه به «ابن کوا» روی کرده و فرمود: «ما دوستانی داریم که اگر ایشان را قطعه قطعه کنیم، جز بر دوستی و محبت آنان نسبت به ما نیفزاید و دشمنانی داریم که اگر غسل خالص در گلوی آنها بریزیم، جز بر دشمنی نسبت به ما نخواهد افزود.»<sup>۱۵</sup>

۱۵. بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۶۷.



## سرمایه‌ی انسان

انسان دارای سرمایه‌های متعددی است که برخی از آنها عبارتند از:

اول: مادی؛ مانند خانه و ماشین، ملک و املاک، طلا و جواهرات، سکه، پول، چک و مانند آن که برای حراست و حفاظت از این اشیاء قیمتی و گرانبها، آنها را در مکان‌های مطمئن مانند گاو صندوق یا بانک و مانند آن می‌سپارد. خانه را نیز مجهز به دوربین‌های مدار بسته، قفل‌های ورودی، آیفون تصویری می‌نماید و ماشین را در پارکینگ قرار می‌دهد و...

دوم: نوع دوم سرمایه‌های انسان، سرمایه‌های علمی و فکری اوست؛ مانند اختراع، خلاقیت و نوآوری، داشته‌های علمی و فکری که در قالب سخنرانی، کتاب، مقاله یا پایان‌نامه مطرح می‌کند و از این راه از آنها محافظت می‌کند تا با مرور زمان از بین نروند.

سوم: نوع سوم، سرمایه‌های شخصیتی و روحی و روانی است؛ مانند عزت، احترام و آبرویی که هر فرد برای خود قائل است و به هیچ قیمتی حاضر نیست این شخصیت و پرستیژ او زیر سؤال برود. راه مراقبت از این شخصیت هم این است که از هر عامل ظاهری یا باطنی که باعث خدشه به آن می‌شود، دوری نماید.

چهارم: نوع چهارم سرمایه‌های انسان، داشته‌های معنوی اوست؛ یعنی عبادات و کارهای خوبی که انجام داده و آثار و برکات آن در زندگی بهره‌مند می‌شود. نماز و روزه، ترنم زبان و دل به اذکار و ادعیه مأثوره، قرائت قرآن، حضور در مسجد، شرکت در هیأت و انجام کارهای صالح و خدایسندانه مانند صدقه دادن، صلح‌ی رحم، دستگیری از نیازمندان و مانند آن که باعث افزایش اندوخته‌های معنوی انسان شده، یاریگر او در مسیر بندگی حق تعالی می‌شود و دستاوردهای فراوانی برای انسان





به ارمان می آورند.

پیامبر اعظم ﷺ فرمودند: «هر کس بر من یک بار درود فرستد، خداوند بر او ده بار درود خواهد فرستاد و ده خطا را از او برطرف خواهد ساخت و ده درجه را برایش بالا خواهد برد.»<sup>۱۶</sup> و فرمودند: «هر کس در هر روز سه بار و در هر شب سه بار از روی محبت و اشتیاق بر من درود فرستد، بر خدای عزوجل حق است که گناهان آن شب و روز را برایش بیامرزد.»<sup>۱۷</sup>

و امام صادق ﷺ می فرمایند: «هر کسی ۱۰ مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، خداوند متعال و ملائکه او، بر آن شخص، صد مرتبه درود و رحمت می فرستند و هر کس بر محمد و آل محمد ۱۰۰ مرتبه صلوات بفرستد، خداوند و ملائکه اش بر او هزار مرتبه صلوات می فرستند.»<sup>۱۸</sup>

یا مثلاً درباره ی ذکر «لا اله الا الله» ثواب های بسیاری ذکر شده است که ترنم زبان و دل به این ذکر نورانی، باعث تقویت ارتباط انسان با خداوند می گردد و انسان را از پاداش های فراوانی بهره مند می سازد، به گونه ای که امام باقر ﷺ فرمود: «هیچ چیز نیست که ثوابش بیشتر باشد از گواهی به اینکه بگوید: لا اله الا الله یعنی گواهی دهد به یگانگی خدا.»<sup>۱۹</sup>

و امام صادق ﷺ فرمود: «عمل کسی که صد بار لا اله الا الله بگوید، برتر از اعمال سایر مردم در آن روز است، مگر عمل کسی که بیش از این گفته باشد.»<sup>۲۰</sup>

یا در مورد ذکر استغفار، پیامبر اعظم ﷺ می فرمایند: «ای شما را از بیماری و درمان آن آگاه نکنم؟ آگاه باشید که همانا بیماری شما، انجام گناه و دارو و درمان و راه نجات از آن هم، استغفار



۱۶. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۹۰.

۱۷. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۹.

۱۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۳ و ۴۹۴، ح ۱۴، ذیل آیه ۴۳ سوره احزاب.

۱۹. کافی، ج ۶، ص ۱۵۳.

۲۰. ثواب الاعمال، ص ۱۳.

است».<sup>۲۱</sup>

مهم آن است که انسان مراقبت نماید با ارتکاب گناه، این داشته‌ها را از بین نبرد و در صورتی که گناهی مرتکب شد، با استغفار و توبه فوری و حقیقی، آثار سوء گناهان گذشته را از درون و برون وجود خویش بر چیند و جلوی هدر رفتن سرمایه را بگیرد.

### برترین سرمایه

در میان سرمایه‌های انسان مؤمن، گرانبهارترین و بارارزش‌ترین سرمایه، همان است که خداوند متعال آن را به عنوان مزد و پاداش زحمات چندین ساله پیامبر خدا ﷺ به او عنایت نمود و فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ (ای پیامبر!) بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن اهل بیتم».<sup>۲۲</sup>

به راستی آیا شیعه حقیقی، سرمایه‌ای برتر از محبت امیرالمومنین (علیه السلام) دارد؟ آیا گنجی زیباتر، پر بهاتر و ماندگارتر از محبت و دوستی با اهل بیت (علیهم السلام) دارد؟

دشمن نیز چون ارزش و کارایی این سرمایه را به خوبی می‌داند، تمام همت و تلاش خود را به کار بسته تا این سرمایه را از دل و جان شیعیان و محبان امیرمؤمنان بستاند و با تلاش‌های موزیانه، گفتارهای منافقانه و ترفندهای شیطانی، گوهر مودت و محبت اهل بیت را از دست شیعیان بریاید.

### پیام غدیر

این پیام غدیر است که پیروان اهل بیت (علیهم السلام) را به مراقبت و کیاست در مقابل بدخواهان فرامی‌خواند و بر گوش جان مؤمنان زمزمه می‌نماید که ای شیعیان و ای مسلمانان، آیا حيله‌ها و فریب‌کاری‌های دشمنان را نمی‌بینید؟

۲۱. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۲۷؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۷۹.

۲۲. سوره شوری، آیه ۲۳.



آیا دسیسه ها و ترفندهای رنگارنگ مخالفان دینداری و پاکدامنی را احساس نمی کنید؟  
آیا کید و مکر آنان در پوشش خیرخواهی، آزادی، روشنفکری و به روز بودن را نمی بینید؟

مراقب باشید. مراقب دغل کاری و فریب دشمنان دینداری و دزدان ناموس و شرافت خود و خانواده ی خویش باشید. مراقب شخصیت دینی و باورها و داشته های معنوی خود باشید و بدانید که دشمنان با مکر و فریب خود در صدند سرمایه های شما را به تاراج ببرند.

آنان با انواع دام ها و برنامه های جذاب، با شبهه افکنی و دروغ پردازی، با شایعه پراکنی و هجمه های تبلیغاتی، با فیلم و سریال، با موسیقی و طنز... شخصیت دینی شما را تضعیف و اندک اندک و گام به گام، شما را به شک و تردید و پس از آن دوری از دین می کشانند و به همین سادگی، شما را از خدا و اهلبیت علیهم السلام جدا می کنند؛ همان کاری که امروزه در برنامه های ماهواره ای به وضوح مشاهده می شود و با ژست خیرخواهانه، همانند سارقان حرفه ای و آموزش دیده، به ایمان و شرافت فردی و خانوادگی مخاطبان خود دستبرد می زنند.

دوستداران علی علیه السلام! این ندای خاتم رسولان است که هنوز بر تارک تاریخ می درخشد و پیام هشدار گونه اش، برای امروز ما هم بیدارگر و هشیار کننده است که ای دوستان علی و ای شیعیان و محبان امیر المؤمنین، من از «ادغال اللائمین و حیل المُسْتَهْزِئین» بر شما بیمناکم. مراقب باشید. بدخواهان شما، جام زهر را با لبخند ملیح و در ظرفی زیبا و بلورین به شما تعارف می کنند، چندانکه که هرگز گمان نمی برید که او بزرگترین دشمن و سارق ایمان و آرامش شما و خانواده تان است.  
راهکار رهایی از این ترفندها و در امان ماندن از سرقت نیز همان است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه ی غدیر به دوستداران





علی علیه السلام آموختند و فرمودند: «إِتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ؛ خودنگه دار باشید و تقوا پیشه کنید، همان گونه که بایسته است.» و «صَيِّرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ؛ به سوی هدف و راهی که علی علیه السلام نشان داده، حرکت کنید و راههای گوناگون، شما را از راه او باز ندارد.»



## شوخی با آیات الهی

وَ سَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي السَّلَامَ عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ  
- أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ ادِّغَالِ  
اللَّائِمِينَ وَ حِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي  
كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالسَّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ. وَيَحْسُبُونَهُ هِينًا  
وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ، وَ كَثْرَةَ إِذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ، حَتَّى سَمَوْنِي  
أُذْنَا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ أَيَّامِي وَ أَقْبَالِي عَلَيْهِ وَ  
هُوَ أَوْ وَ قَبُولِهِ مِنِّي.



و من از جبرئیل خواستم که از خدا بخواهد و مرا از تبلیغ این پیام -  
به شما ای مردم - معاف دارد، زیرا از کمی پرهیزکاران و زیادی منافقان  
و فساد و تباهی سرزنش کنندگان و مکر و حيله مسخره کنندگان اسلام  
باخبرم. همان کسانی که خداوند در توصیف آن‌ها در کتابش فرموده: «با  
زبان‌هایشان می‌گویند آنچه در دل‌هایشان نیست و می‌پندارند که این عمل  
آسان است در حالی که نزد خداوند بسیار بزرگ است»، و نیز بخاطر  
اذیت و آزاری که آن‌ها بارها بر من روا داشته‌اند تا آنجا که مرا اذن (گوش  
دهنده به هر کلامی) نامیدند و گمان کردند که من این گونه‌ام، و علتش  
ملازمت و همراهی زیاد علی علیه السلام با من «و تمایل و پذیرش او از من  
و روی آوردن من به او بود.

## پنجره‌ای روبه حقیقت

در مدینه مرد دلچک و هرزه گویی بود که مردم را می‌خندانید. او می‌گفت: این مرد - امام سجاد علیه السلام - مرا درمانده و عاجز کرده است و تاکنون نتوانسته‌ام او را به خنده بیندازم.

روزی امام سجاد علیه السلام با دو تن از غلامان خودشان از جایی می‌گذشتند که آن مرد دلچک آمد و ردای حضرت را از روی شوخی از دوشش کشید و فرار کرد.

امام علیه السلام به او توجهی نکردند. مردم رفتند و ردای آن حضرت را از آن مرد گرفتند و آوردند و بر دوش مبارکش انداختند. امام پرسید: این مرد که بود؟

گفتند: مرد هرزه‌گو و خوشمزه‌ای است که مردم مدینه را می‌خندانند.

حضرت فرمود: به او بگویید: «إِنَّ لِلَّهِ يَوْمًا يَخْسِرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ؛ برای خداوند روزی است که بیهوده‌گویان و یاهو سرایان، در آن روز زیان می‌کنند».<sup>۳۳</sup>

## شوخی شوخی، جدی می‌شود!

امروزه با گسترش تکنولوژی «تلفن همراه و پیامک» و هم‌چنین اینترنت و ایمیل و چت و بالاخره گسترش ارتباطات با به میدان آمدن شبکه‌های اجتماعی چون «فیس بوک» و مانند آن، بازار شوخی، جوک و طنز نیز به همان میزان گسترش یافته است. اگرچه شوخی و شاد کردن مؤمنان کاری پسندیده و مورد تایید آموزه‌های دینی است، ولی خطرها و تهدیدهایی پنهانی نیز در این میان وجود دارند که آگاهی از آنها، لذت لحظات خوشحالی را تلخ می‌نماید.

رایج‌ترین این گونه سخنان، تمسخر اقوام و قومیت‌های مختلف است که اگرچه بیشتر مردم از منفی بودن و اثرات سوء

۳۳. امالی شیخ صدوق، ص ۲۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱۶.





آن باخبرند، ولی با توجیه شوخی بودن و قصد تمسخر و تخریب نداشتن، از زیر بار مسئولیت آن شانه خالی می کنند.

مهم تر از این گونه شوخی و تمسخرها، به سُخره گرفتن و شوخی با مسائل دینی و معارف و آموزه های الهی است که به بهانه های مختلفی آن را ترویج داده و از طریق پیامک، بلوتوث و مانند آن به صورت گسترده پخش می نمایند.

امروزه برای هر جریانی، حتماً چند جوک و شوخی که به معارف، اعتقادات و فرهنگ اسلامی طعنه دارد، تولید و در سطح گسترده ای توزیع می شود و تأسف بارتر آنکه بسیاری از افراد متدین و معتقد هم ناخواسته و ندانسته در دام این گونه مباحث افتاده، نقش مهمی در توزیع این سموم ضد دینی که با هدف تخریب مبانی دین و قداست زدایی از معارف دینی تولید می شوند، ایفا می نمایند.

بنابراین افراد معتقد و پایبند به ضوابط شرعی باید بصیرت و دقت لازم در این زمینه داشته باشند تا خدای ناکرده در زمره مروّجان و سربازان این گونه استراتژی ها و تاکتیک های دشمن قرار نگیرند؛ زیرا خداوند در این گونه مسائل با کسی شوخی ندارد و بنا به تصریح قرآن کریم، حتی کوچکترین ذره از رفتار و گفتار انسان نیز مورد مؤاخذة قرار خواهد گرفت و همه چیز در دفتر اعمال انسان ضبط و ثبت شده، باید در پیشگاه الهی پاسخگو باشد.<sup>۲۴</sup>

می گویند فردی خیلی اهل شوخی و مزاح بود. او را پس از مرگش در خواب دیدند که خیلی گرفتار بود. وقتی علت را از او پرسیدند، گفت: ما هرچی به شوخی گفتیم، اینجا جدی گرفته اند! از این رو خداوند متعال به کسانی که به او و آخرت ایمان آورده اند می فرماید که نه تنها خودتان مشتری حرف مفت نباشید، بلکه اساساً مسخره کنندگان دین تان را دوست خود نگیرید، چرا

۲۴. اشاره به آيات «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» پس هر که هم وزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید، و هر که هم وزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید». سوره زلزله، آیات ۷-۸.



که عاقبت بسیار بد و هولناک آنان، متوجه شما نیز خواهد شد، آنجا که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعَبًا مِّنَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُم مُّؤْمِنِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کسانی را که دین شما را به بازیچه گرفته‌اند - چه از کسانی که پیش از شما کتاب داده شده‌اند و چه از کافران - دوستان خود مگیرید، و از خدا بترسید اگر واقعاً مؤمن هستید».<sup>۲۵</sup>

یعنی نحوه‌ی برخورد ما با هر گونه شوخی، طنز، جوک و مسخره‌ی دین‌مان، خود ملاک و امتحانی برای تقوا و ایمان ماست.

### شوخی‌های خطرناک

نگاهی به آیات و روایات ما را به این نکته می‌رساند که تمسخر دین با هر وسیله، بهانه و توجیهی که باشد، مذموم و ناپسند است؛ اگرچه مرتکبان چنین اعمالی به زبان آن را انکار کنند، ولی خداوند با تخطئه و زشت شمردن چنین رفتاری، چنین هشدار می‌دهد: «وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِؤُونَ؛ اگر از آنها بپرسی [چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟!، می‌گویند: ما بازی و شوخی می‌کردیم! بگو: آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟!»<sup>۲۶</sup>

همچنین خداوند متعال در آیات دیگری مانند: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ؛ آن گاه که این شایعه را از زبان یکدیگر می‌گرفتید و با دهان خود سخنی می‌گفتید که به آن یقین نداشتید و آن را [سخنی کوچک و] آسان می‌پنداشتید، در حالی که نزد

۲۵. سوره مائده، آیه ۵۷.

۲۶. سوره توبه، آیه ۶۵.



خدا بزرگ است».<sup>۲۷</sup>

و آیه ی: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ و برخی از مردم کسانی اند که سخن بیهوده را می خرند تا [مردم را] بی هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و آیات الهی را به ریشخند گیرند، برای آنان عذابی خوار کننده خواهد بود».<sup>۲۸</sup>

### پیام غدیر

این آیات به همه می فهماند که کسی حق شوخی و به تمسخر گرفتن معارف دینی و آموزه های الهی را نداشته و در صورت مبادرت به چنین رفتاری، مورد عتاب و عقاب قرار خواهند گرفت و نباید هیچ سخنی را ناچیز و آسان شمرد و از پیامدهای منفی آن خود را مصون دید؛ لذا در غدیر رسول خدا ﷺ درباره ی مسئله مهم و حیاتی امامت و رهبری مسلمانان، فرمود: «وَوَيْحَسْبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ؛ آن را اندک و آسان می شمارند، حال آنکه نزد خداوند بس بزرگ است».

درد دل پیامبر این بود که گویا عده ای فکر می کنند با هر مسئله ای می توان به آسانی برخورد کرد و آن را بازی و شوخی فرض کرد و به راحتی از کنار آن گذشت. هرگز چنین نیست و مسائل مهم و از جمله مسئله ی مهم و حیاتی زعامت مسلمین، نزد خداوند از چنان جایگاه و ارزشی برخوردار است که اگر کسی با آن به مخالفت برخیزد، یا به سخره بگیرد، مورد عقاب الهی واقع خواهند گردید، همانگونه که حارث بن نعمان گردید.

آخرین ساعات توقف در غدیر بود که حارث نزد پیامبر آمد و با ادبیاتی که برگرفته از روح بی ایمان و سرکش او بود، گفت: «آیا آنچه گفتمی از جانب خدایت بود یا از خود گفتمی؟»

رسول مهربانی بعد از ۲۳ سال دعوت به توحید و راستگویی،

۲۷. سوره نور، آیه ۱۵.

۲۸. سوره لقمان، آیه ۶.





صبورانه پاسخ داد: «هرآنچه گفتم از جانب خداست و من از خود هیچ نمی گویم».

او سخن خدا و پیامبر را نمی پذیرد و مغرضانه از خدا طلب عذاب می کند و آنچنان که مردم بشنوند می گوید: «خدایا اگر آنچه محمد می گوید حق و از جانب توست، سنگی از آسمان بر ما بیار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست».

سخنانش تمام نشده بود که سنگی از آسمان فرود آمد و او را به جهنم فرستاد تا همگان بدانند که شوخی و انکار آموزه های دینی، به تقابل و ایستادگی در برابر آیات الهی خواهد انجامید که سرنوشتی جز هلاکت و ذلت در پی نخواهد داشت.<sup>۳۹</sup>



۳۹. نک: تفسیر برهان، ج ۵، ص ۳۸۲.

## بجمله‌های روانی

و يَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ، وَ كَثْرَةَ آذَانِهِمْ لِي غَيْرِ  
مَرَّةٍ، حَتَّى سَمُّونِي آذْنَا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكُ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ  
إِيَّايَ وَ أَقْبَالِي عَلَيْهِ وَ هَوَاهُ وَ قَبُولِهِ مِنِّي.

همان کسانی که خداوند در توصیف آن‌ها در کتابش فرموده: «با زبان‌هایشان می‌گویند آنچه در دل‌هایشان نیست و می‌پندارند که این عمل آسان است در حالی که نزد خداوند بسیار بزرگ است»، و نیز بخاطر اذیت و آزاری که آن‌ها بارها بر من روا داشته‌اند تا آنجا که مرا آذن (گوش دهنده به هر کلامی) نامیدند و گمان کردند که من این گونه‌ام، و علتش ملازمت و همراهی زیاد علی علیه السلام با من «و تمایل و پذیرش او از من و روی آوردن من به او بود.

### پنجره‌ای روبه حقیقت

هرگاه پیامبر ﷺ در کوچه‌های مکه راه می‌رفت، حکم بن ابی العاص از پشت سر حرکات آن حضرت را تقلید می‌کرد و باعث خندیدن دشمنان اسلام و مشرکان می‌شد. روزی رسول خدا ﷺ روی مبارک خودشان را برگرداندند و همچنان که وی مشغول تقلید رفتار آن حضرت بود به او فرمودند: «كُنْ كَذَلِكَ؛ همین گونه باش». از آن پس تا وقتی که مرگش فرا رسید، بدنش پیوسته به حال رعشه باقی بود.<sup>۳۰</sup>

۳۰. اسدالغابه، ج ۲، ص ۳۴؛ الغدير، ج ۱، ص ۲۶۰.



## زشتی تمسخر

یکی از روحيات ناپسند، مسخره کردن، تحقير و استهزاء ديگران به بهانه های گوناگون است. خداوند متعال نیز در جاهای مختلفی از قرآن کریم، بر زشتی این عمل تأکید کرده است. به عنوان مثال در سوره حجرات آیه ۱۱ می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! هیچ گروهی نباید گروه دیگری را استهزا کند که شاید آنان از خودشان بهتر باشند و هم چنین نباید زنانی زنان دیگر را استهزا کنند که شاید آن زنان دیگر از خودشان بهتر باشند».

اما عجیب اینکه خداوند در آیه ای می فرماید که او نیز برخی را مورد تمسخر و استهزاء قرار می دهد. آنجا که می فرماید: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ».<sup>۳۱</sup>

آیا مسخره کردن کار پسندیده ای است که خود خداوند چنین کاری را انجام می دهد؟ اگر کار ناپسندی است، معنای استهزای خداوند چیست؟

## چرایی استهزاء

پیش از پرداختن به چرایی استهزاء الهی، نگاهی گذرا به دلایل و انگیزه های پیدایی این رذیله اخلاقی در بین مردم می اندازیم. اول: اولین دلیل پول است، برخی چون پول دارند، بی پولها را مسخره می کنند: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لَّمْزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ».<sup>۳۲</sup> چون مال جمع کرده است و پول دارد نیش می زند. و در آیه دیگری می فرماید: «زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است؛ از این رو، افراد با ایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می کنند».<sup>۳۳</sup>

۳۱. سوره بقره، آیه ۱۵.

۳۲. سوره همزه، آیات ۱-۲.

۳۳. «زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا... وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ». سوره بقره، آیه ۲۱۲. می توان





دوم: گاهی دلیل تمسخر، علم و تخصص و مدرک است. قرآن می‌فرماید: «فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزُونَ»<sup>۳۴</sup> سواد دارد و بی سواد را مسخره می‌کند که تو که سواد نداری حرف نزن. بیچاره حالا که مدرکی گرفته، فکر می‌کند شخصیت و ارزشش با همین یک ورق کاغذ دگرگون شده است؛ لذا دیگران را مورد تمسخر و اهانت قرار داده، خود را برتر و بالاتر می‌پندارد.

سوم: گاهی به خاطر قدرت بدنی یا پست و مقامی است که در اختیار او قرار دارد.

چهارم: شکل و قیافه؛ یعنی خوشگل، زشت را مسخره می‌کند، چون خودش زیباست.

پنجم: گاهی دلیل تمسخر، کینه و بغض است؛ مثلاً کسی خشم خوب است و او می‌گوید: چرا کفش هایت پاره است، چون نمی‌تواند خط خوب او را تحمل کند.<sup>۳۵</sup> یا مانند بسیاری از عیب جویی‌ها که ریشه در حقارت و ضعف فرد عیب‌جو دارد و این‌گونه رفتار، نوعی فرار به جلو برای سرپوش گذاشتن بر عیوب خود آنهاست.

ششم: گاهی به خاطر تفریح و خوش بودن است؛ مانند بسیاری از جوک‌ها و لطیفه‌ها، بلوتوت‌ها و کلماتی که درباره‌ی اقوام مختلف گفته می‌شود.

هفتم: گاهی مؤمنان را به متحجر بودن و عقب افتادگی متهم می‌کنند و خودشان را روشنفکر، به روز و با کلاس تصور می‌کنند؛ لذا به خودشان حق می‌دهند آنها را مسخره کرده، رفتارشان را تحقیر کنند. خداوند می‌فرماید: «وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُونَ؛ و چون به مؤمنین برمی‌خورند، به یکدیگر

از جمله آخر آیه، «وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»، این نکته را استفاده کرد که علت تمسخر کفار، فقر مؤمنان بوده است. (نک: اخلاق در قرآن، آیت الله مصباح، ج ۳، ص ۲۱۹).

۳۴. سوره غافر، آیه ۸۳.

۳۵. نک: سخنرانی استاد قرائتی در تاریخ ۶۸/۲/۲۸.



می گویند اینها گمراهانند».<sup>۳۶</sup>

هشتم: گاهی هم به خاطر حسادت و بدخواهی است. خداوند می فرماید: «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ؛ آنها خواستار رنج و مشقت شمایند و کینه توزی از گفتارشان آشکار است و آن کینه که در دل دارند، بیشتر است».<sup>۳۷</sup>

بدون شک هیچ یک از دلایل مذکور درباره ی خداوند قابل بیان و انطباق نیست؛ از این رو باید گفت که چرایی این استهزاء، در واقع بازتاب و واکنش آن جهانی این صفت است که بر اساس قاعده ی: «جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا؛ انتقام بدی، مانند آن بدی است»<sup>۳۸</sup>، در قیامت بروز می نماید. یعنی چون بدخواهان، منافقان و کافران، دینداران را به خاطر دینداری و خداخواهی، سرزنش و ملامت می کنند و با چشم و زبان، با تهدید مالی، با هجمه های روانی و تخریب شخصیت مؤمنان، با پوزخند و دگر ترفندها به تمسخر مؤمنان پرداختند<sup>۳۹</sup> تا با بهره جستن از این حربه های روانی، آنان را از راهی که برگزیده اند، منصرف و پشیمان نمایند، در قیامت به جبران این رفتارشان، واکنشی متناسب با آنان صورت خواهد گرفت، بدین صورت که این بار افراد متدین و استقامت کنندگان بر باورهای دینی، نماز گزاران، افراد با غیرت، زنان و بانوان باحجاب و باعفت و ... بر بی دینان، گناهکاران، بدحجابان و... می خندند، همانطور که خداوند به صراحت می فرماید: «فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ - عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ - هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ امروز مؤمنین به کفار می خندند و بر تخت های خود تکیه زده، تماشا می کنند، ببینند آیا کفار در برابر

۳۶. سوره مطفین، آیه ۲۲.

۳۷. سوره آل عمران، آیه ۱۱۸.

۳۸. سوره شوری، آیه ۲۰۹.

۳۹. خداوند این رفتار و ترفند غیر دینی آنان را چنین به تصویر می کشد: «إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ \* وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ \* وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكَاهِنِينَ؛ بدکاران نسبت به مؤمنان پوزخند می زدند و هنگامی که از کنارشان می گذشتند، به هم چشمک می زدند و آنان را مسخره می کردند و هنگامی که به خانه هاشان بر می گشتند، نزد زن و فرزندانشان کارها و رفتار مؤمنان را وسیله سرگرمی خود قرار می دادند و می خندیدند.»

کرده‌هایشان چه جزایی می‌بینند».<sup>۴۰</sup>

در تفسیر مجمع البیان درباره‌ی معنای استهزاء خداوند و اینکه مؤمنان چگونه به کافران می‌خندند، آمده است: «وقتی مؤمنین داخل بهشت و کافرین داخل جهنم شدند، دری از بهشت به روی کفار باز می‌شود و آنان از آتش، شتابان به سوی آن می‌روند، وقتی رسیدند، درب به روی آنان بسته می‌شود و از جای دیگر، دری از بهشت باز می‌شود. باز به سرعت به طرف آن می‌روند و وقتی رسیدند، مجدداً درب بسته می‌شود، سپس مؤمنان بر آنان می‌خندند».

### خطری بیخ گوش ما

تذکر این نکته ضروری است که این خطر جهنمی شدن و مورد خشم و غضب الهی قرار گرفتن، مخصوص کافران، منافقان و مشرکان نیست؛ چه بسا افراد مسلمانی که ندانسته، شریک و هم‌رتبه‌ی آنان می‌شوند؛ از این رو افراد با ایمان و کسانی که ادعای دینداری دارند، خیلی باید مراقب باشند تا خدای ناکرده، فریب زیبایی‌های دلفریب دنیا را نخورند و به تمامی محتوای دین و مسائل شرعی پایبند باشند؛ چون برخی افراد تا آنجا که به دنیای آنها ضرر و زیانی نرسد، پایبند به دین و آموزه‌های دینی هستند، ولی وقتی خطری روحی یا آبرویی برای خودشان یا خانواده‌شان احساس کنند، فوراً دین و مسائل دینی را قربانی می‌کنند. مثلاً برای جبران کسری مالی، به پول‌های غیرشرعی با سود بالا و نزول کردن روی می‌آورند تا از لحاظ ظاهری نقطه‌ضعفی هنگام حضور فلان فامیل و دوست نداشته باشند و همه‌ی وسائل در تراز مناسب و کلاس بالا باشد. یا برای کم‌نیارندن پیش خویشاوندان و دوستان، از سر و ته حجاب و پوشش خود می‌زنند و با ظاهری نامناسب، در عروسی یا جشن



آنان شرکت می کنند و نمونه های فراوان دیگری از این قبیل. این گونه رفتارها که نشانه ی ضعف ایمان و باورهای دینی است، در واقع نوعی تمسخر به دین و مسائل دینی است. قرآن می فرماید: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ»؛<sup>۴۱</sup> یعنی با خدا خدعه می کنند و به خدا کلک می زنند. «قُلْ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ»؛<sup>۴۲</sup> به آنها بگو آیا خدا را مسخره می کنید؟ آیا مسائل شرعی و احکام شرعی را مسخره می کنید؟

موقع رفتن به مسجد و هیأت، جمکران و زیارتگاه، همه ی مسائل و از جمله حجاب خودتان را رعایت می کنید، ولی موقع عروسی و جشن که شد، همه چیز را فراموش می کنید؟ «اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا؛ یعنی شما آیات خدا را به مسخره گرفته اید».<sup>۴۳</sup>

خود را مقدس و متدین می نامید، ولی در رابطه با نامحرم بی پروا بوده و به محض ایجاد کوچکترین فرصتی، از خدا دل کنده، به گناه روی می آورید؟ آیا به زبان می گوئید استغفرالله و در دل شوق گناه دارید؟

سُبْحَةَ<sup>۴۴</sup> بر کف، توبه بر لب، دل پر از شوق گناه  
معصیت را خنده می آید ز استغفار ما!<sup>۴۵</sup>

## پیام غدیر

تأثیر گذاری این ترفند و سختی مقابله با این تهاجم روحی به گونه ای است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله که پیش از این نیز طعم تلخ استهزاء و آزار مشرکین و بت پرستان مکه را چشیده بودند،<sup>۴۶</sup> در غدیر خم می فرماید: «به خاطر علاقه و تمایل دوطرفه بین من

۴۱. سوره بقره، آیه ۹.

۴۲. سوره توبه، آیه ۶۵.

۴۳. سوره جاثیه، آیه ۲۵.

۴۴. تنبیح.

۴۵. صائب تبریزی.

۴۶. آنجا که خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «وَإِذَا رَأَوْكَ إِذْ يَتَخَذُونَكَ الْإِهْرَؤُا أَعْدَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا؛ و هنگامی که تو را دیدند، جز به استهزاء و تمسخر تو نیندیشند که آیا این است آن کسی که خداوند به عنوان رسول خود به سوی ما روانه کرده است؟» سوره فرقان، آیه ۴۱.



و علی علیه السلام و همراهی، ملازمت و پذیرش علی علیه السلام از من، آنان  
مرا گوش (یعنی زودباور و حرف شنو) نامیدند.»  
آری! بدخواهان دینداری همواره هستند و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله را  
نیز با نیش و کنایه می آزرده، پس ما نیز به طور طبیعی باید  
خود را برای دیدن چنین رفتارهایی آماده ساخته، از هجمه ها  
و تیرهای مسموم آنان نهراسیم و با به جان خریدن مشکلات  
احتمالی، مایه ی مباحات خدا و رسولش گردیم. ان شاء الله.



## مشکل کوه

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا  
عَنْ وَلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ  
وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ؛

ای مردم! از مسیر او منحرف نشوید و از او نگریزید و از ولایت او  
متکبرانه سر باز نزنید، او شما را به درستی و راستی خوانده و خود نیز  
بدان عمل می نماید. او نادرستی را نابود کند و از آن بازدارد. در راه خدا  
نکوهش نکوهش گران او را از کار باز ندارد.

### پنجره‌ای روبه حقیقت

«عبدالعزی» پسر یتیمی بود که از ثروت دنیا چیزی نداشت.  
در کودکی تحت تکفل عموی خود به سر می برد تا اینکه بزرگ  
گردید. از توجه عمویش دارای ثروت زیادی شد. وی مدتی بود  
تمایل زیادی داشت که اسلام بیاورد، ولی از ترس عموی خود  
که مردی خشن، متعصب و مخالف اسلام بود، جرأت هیچ  
اظهار نداشت. او منتظر فرصت مناسبی می گشت، تا آن هنگام  
که حضرت رسول ﷺ از جنگ حنین برگشت. عبدالعزی که

طاقتش تمام شده بود، پیش عموی خود رفت و گفت: مدت‌ها بود مایل به اسلام آوردن بودم، انتظار داشتم شما هم اسلام قبول کنید. اکنون که از شما خبری نشد، من تصمیم گرفته‌ام به مسلمین پیوسته و ایمان بیاورم.

عمویش گفت: اگر چنین کاری کنی، آنچه به تو داده‌ام، پس می‌گیرم، حتی لباس و تمام زندگی‌ات را خواهم گرفت؛ برهنه‌ات می‌کنم. ولی او که تصمیم خود را گرفته بود، با شجاعت تمام گفت: اسلام آوردن را بر تمام ثروت دنیا ترجیح می‌دهم. عمویش گفت: پس حالا که مصمم هستی، دست از تمام اموال من بردار. او به اندازه‌ای به او سخت گرفت که لباس‌هایش را نیز از تنش خارج کرد.

عبدالعزی پیش مادرش رفت. جریان اسلام آوردن خود را به مادر گفت و تقاضای لباسی کرد تا پوشیده خدمت پیغمبر ﷺ شرفیاب شود. مادر مهربان چون لباسی نداشت که به فرزند دل‌بند خود دهد، به ناچار گلیمی راه‌راه به او داد. عبدالعزی، گلیم را از وسط پاره کرد. نیمی را بر شانه انداخت و نیم دیگر را همانند ازار (لنگ) به کمر بست و با صدق و صفا به طرف مدینه آمد.

هنگام سحر به مدینه رسید. داخل مسجد شد. پیغمبر اکرم ﷺ همیشه صبحگاه پس از نماز در مسجد جست‌وجو می‌کرد و از حال اصحاب صفا (کسانی که در مدینه غریب بودند و از خود خانه‌ای نداشتند) خبر می‌گرفت. آن روز چشم پیغمبر به تازه‌واردی افتاد که با وضع مخصوصی خود را پوشانیده بود. جلو آمد، پرسید: تو کیستی؟ گفت: نام من عبدالعزی است و از فلان قبیله‌ام.

فرمود: تو را «عبدالله» نام می‌گذارم. میهمان من باش. از آن پس، عبدالله در جمله میهمانان آن جناب به سر می‌برد و به تعلیم قرآن اشتغال داشت، تا آن هنگام که مردم آماده جنگ تبوک بودند، عبدالله خدمت پیغمبر آمد و در این جنگ شرکت



کرد و به مقام شهادت نایل شد.<sup>۴۷</sup>

## موانع خداخواهی

انسان آن گاه که به راهی که برگزیده، ایمان و باور داشته باشد، با بهره گرفتن از عنصر استقامت، به خوبی می تواند با انواع هجومه ها مقابله نموده، سدی آهنین و غیرقابل نفوذ در مقابل مخالفان و دشمنان ایجاد نماید.

یکی از آفت ها و آسیب های گسترده در مسیر دینداری، اختلاف نظر و عقیده در نوع نگاه به زندگی و چگونگی اجرایی کردن آموزه های دینی است. عده ای ثابت قدم و استوار در همه حال، به تمامی گفته های دینی پایبند بوده و عده ای دیگر تا آنجا که استقامت بر باورهای دینی، با روابط خانوادگی و جایگاه اجتماعی در تضاد نباشد، به مسائل دینی و شرعی خود اهتمام می ورزند.

در این میان عده ای هم هستند که نه تنها خود به رفتارهای دینی عمل نمی کنند، بلکه با هر ترفند و وسیله ای که شده، در مسیر دینداری دیگران مانع تراشی می نمایند.

پدران و مادرانی که برای منصرف کردن دختران خویش از حجاب، آنان را ابتدا با هدایای رنگارنگ، سپس با تهدید عاطفی و جسمی، پس از آن با توهین و تحقیر و سرزنش و مانند آن، تلاش می کنند تا فرزندشان را از راهی که با عقل و منطق برگزیده است، منصرف نمایند، در زمره ی همین گروه قرار دارند. مردانی که همسر خود را به ارتباط با نامحرمان، آزادی در پوشش و مانند آن فرامی خوانند و در صورت مقابله با درخواست شان، او را مورد انواع آزار و اذیت و تهدیدها قرار می دهند نیز، جزء همین دسته هستند.

و متأسفانه هستند والدینی که فرزندان خویش را از رفتارهای

۴۷. بند تاریخ، ج ۲، ص ۲۴۷.



دینی و ارتباط با مراکز دینی بازداشته، به جای تشویق به حضور در کلاس های دینی، قرآنی و اخلاقی، به کلاس های موسیقی و زبان و مانند آن می فرستند تا حال و هوای او را با درخواست های درونی خود همراه سازند و از تبدیل او به یک فرد مذهبی جلوگیری نمایند!

چنین پدران و مادرانی به خوبی می دانند که کلاس هایی مثل زبان و رایانه و... منافاتی با مسائل دینی ندارد و به راحتی می توانند زمان دیگری را برای این آموزش ها در نظر بگیرند، ولی گویی خطری را احساس می کنند که وظیفه دارند از همین امروز و به هر قیمتی که شده، در مقابل آن بایستند و مقاومت نمایند!

این همان پیش بینی رسول خداست که در مورد بسیاری از والدین امروزی مصداق پیدا کرده است. آن هنگام که فرمود: «وای بر احوال فرزندان آخرالزمان از دست پدرانشان». اصحابی که حضور داشتند از پیامبر پرسیدند: یا رسول الله پدرانشان مشرک اند؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «نه بلکه پدران مؤمن و مسلمان دارند.» اصحاب پرسیدند: پس علت تأسف شما چیست؟

پیامبر فرمودند: پدران و مادران آخرالزمان بیشتر توجه خود را صرف برآوردن نیازهای مادی فرزندان خود نموده و از تربیت دینی آنها غافلند. برخی از آنها چیزی از واجبات و فرائض را به فرزندان خود نمی آموزند و اگر فرزندی شخصا برای یادگرفتن احکام اقدام نمود، او را از این کار باز می دارند و به بهره‌ی بسیار اندکی از دنیا برای آنها راضی می شوند.

آنگاه پیامبر فرمودند: «من از آنها بیزارم و آنها نیز از من بیزارند».<sup>۴۸</sup>

در هر حال، استقامت فکری و تقویت باورهای دینی از طریق مطالعه آثار دینی، ذکر و یاد مداوم خدا، انس با نماز و قرآن، توکل



به خدا و... باعث استقامت و افزایش توان جسمی و روحی در مقابل تخریب ها و حمله های شیاطین جنی و انسی خواهد شد و انسان مؤمن را در مقابل شبهه افکنی ها، تخریب ها و ضربه های فکری اطرافیان واکسینه خواهد نمود.

می گویند شخصی از قاهره شتری را اجاره کرد تا به منطقه عباسیه برود. او بر شتر سوار شد و صاحب شتر افسار را گرفته و مسافر را می برد. در مسیر راه، شتربان زیر لب و گاهی هم بلند مسافر را مسخره می کرد و چون او را مردی غریب و تنها و محتاج یافته بود، همگام با حرکت شتر به جسارت های خود ادامه می داد. در مسیر راه شخصی این صحنه را دید و به مسافر گفت: آیا می دانی و می شنوی که شتربان چه می گوید؟ گفت: بلی! پرسید: پس چرا از خود عکس العملی نشان نمی دهی؟ گفت: اگر او مرا به عباسیه می رساند و مسیر راه درست است، این حرف ها مهم نیست، هر چه می خواهد بگوید.

بدین روی، انسان مؤمن اگر به خودباوری و پذیرش منطقی و باورمند به خواسته های الهی نائل گردد، روح او با منبع لایزال و قدرت بی نهایتی پیوند خواهد خورد که پس از آن، نه تنها از هیچ چیزی هراس و بیم نخواهد داشت، بلکه در پرتو قدرت ایمان، خداوند چنان ابهت و شوکتی به او خواهد داد که همه به دیده ی احترام به او خواهند نگریست. رسول خدا ﷺ می فرمودند: «ما أَقْبَلَ عَبْدٌ إِلَى اللَّهِ إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ حَتَّى يَرُزِقَهُمْ مَوَدَّتَهُمْ وَ رَحْمَتَهُمْ وَ مَحَبَّتَهُمْ؛ هیچ بنده ای قلب و دلش متوجه خدا نمی شود؛ مگر اینکه خدا دل های مؤمنان را متوجه او می کند تا دوستی، رحمت و محبت آنها را روزی او کند».<sup>۴۹</sup>

### اعتراض زبان ها، اعتراف دل ها

از این نکته نیز نباید غفلت ورزید که تشرها و نیش و کنایه

۴۹. تفسیر مجمع البیان، ج ۶ ص ۴۵۴.

های اطرافیان و دوستان بدخواه، گاه نوعی اعتراف به ابهت دینداران است، همانطور که یکی از روان شناسان می گوید: «اگر می خواهید از انتقاد بی جا نگران نشوید، به خاطر داشته باشید که انتقاد بی جا و ظالمانه، خود یک نوع تعریف و تحسین در لباس مبدل است».<sup>۵۰</sup>

یعنی کسی که خود از بی حیایی و بدحجابی خسته است، کسی که از تلون و رنگ به رنگ بودن، از بی اختیاری و بازیچه‌ی دست دیگران شدن، فرسوده و کلافه است؛ کسی که برنامه‌های ماهواره، کانون خانواده‌اش را در معرض فنا و نابودی قرار داده، کسی که شعله‌های مهارناشدنی مال حرام، آرامش و خوشی، الفت و محبت بین اعضای خانواده، احترام به بزرگترها و حفظ حریم‌ها و حرمت‌ها را به فراموشی سپرده، باید هم برای آرامش روان رنجور و بیمار خود چنین ادعاهایی نماید تا شاید مرهمی بر زخم‌های بی شمار جسم و روح باشد.

### پیام غدیر



رسول خدا ﷺ نیز در خطابه غدیر خویش، یکی از دلایل ممتاز بودن امیرمؤمنان (علیه السلام) را پایداری بر ایمان و حق محوری، مقهور نشدن در مقابل دشمنان و بازنیاستادن از تلاش در راه خدا دانسته، ایشان را نمونه‌ای زیبا از کسانی می داند که به سبب نکوهش نکوهش‌گران و شماتت و ملامت دیگران، از مسیر صحیحی که برگزیده، دست نخواهند شست. آن حضرت می فرماید: «... فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ؛ هان مردمان! از علی رو برنتابید و از امامتش نگریزید و از سرپرستی اش رو برنگردانید. او [شما را] به درستی و راستی خوانده و [خود نیز] بدان عمل نماید. او نادرستی را نابود کند و از آن بازدارد. در راه خدا

۵۰. آیین زندگی، دلیل کارنگی، ص ۲۰۱.

نکوهش نکوهش گران او را از کار باز ندارد». شیعیان امیر مؤمنان علیه السلام و بندگان حقیقی خداوند نیز باید به این باور عمیق برسند که خداخواهی و عمل به دستورات الهی، باعث موفقیت و آرامش در دنیا شده، سعادت اخروی نیز به دنبال خواهد آورد، به شرط آنکه همانند مولای خود، مغلوب سخنان دیگران نشوند، روحیه ی خود را نبازند و با حرف آنان، ایمان و باورهای خود را به حراج نگذارند. همانگونه که امام صادق علیه السلام می فرمود: «مؤمن از کوه محکم تر و پر صلابت تر است، چرا که بخشی از کوه ممکن است با کلنگ ها کمی تراشیده شود، ولی هرگز چیزی از دین مؤمن کنده نمی شود».<sup>۵۱</sup>





## سازهای مخالف

الَا اِنَّ جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللّٰهِ تَعَالٰى بِذٰلِكَ وَيَقُوْلُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِيْ وَغَضَبِيْ»، «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ. وَاتَّقُوا اللّٰهَ - اَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَنْزَلَ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوْتِهَا - اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ بِمَا تَعْمَلُوْنَ».

آگاه باشید! که جبرئیل از طرف خداوند آن را به من خبر داده و فرموده است: هر که با علی علیه السلام دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت من و غضب من بر او باد «و باید هر کس بنگرد برای فردایش چه چیزی پیش فرستاده، و از خداوند بترسید که با علی علیه السلام مخالفت کنید - پس قدمهایتان پس از استواری دچار لغزش شود، که خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.



### پنجره‌ای روبه حقیقت

در یکی از جنگ‌ها چند نفر اسیر را به حضور پیامبر ﷺ آوردند که حکم شان اعدام بود. پیامبر ﷺ فرمان اعدام آنها را صادر کرد، ولی یکی از اسیران را آزاد نمود. او پرسید: «چرا مرا آزاد کردی؟» پیامبر فرمود: «جبرئیل به من خبر داد که تو دارای پنج خصلت هستی که خدا و رسولش آنها را دوست دارند: نسبت به ناموست غیرت شدید داری، دارای سخاوت، حُسن خلق، راست‌گویی و شجاعت می‌باشی».

آن شخص با شنیدن این سخن، مجذوب پیامبر اسلام شد و مسلمان گردید و در راه اسلام استوار بود تا اینکه در یکی از جنگ‌ها در رکاب پیامبر ﷺ به شهادت رسید.<sup>۵۲</sup>

## سازهای مخالف

آیا تاکنون اندیشیده ایم که امروزه ما به عنوان دوستداران و شیعیان حضرتش، چه خطرهایی ما را تهدید می‌کند. خطرهایی که حتی می‌تواند ما را در زمره‌ی مخالفان آن حضرت قرار دهد. به راستی، مخالفت با علی علیه السلام چگونه است؟ مگر آن حضرت چه می‌خواست که اگر ما چنان نباشیم، مستوجب عذاب و عقاب الهی خواهیم شد و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در آن صحرای سوزان و گرمای طاقت فرسا، در سخنانی هشدارگونه، فرجام مخالفان را، لغزش از جاده‌ی تقوا و دینداری و جهنمی شدن ترسیم نمود؟ مصادیق و موارد مخالفت با آن حضرت چندان پیچیده و مبهم نیست؛ همه می‌دانیم حضرت علی علیه السلام اهل نماز و عبادت، اهل صبر و استقامت، اهل رعایت حلال و حرام، اهل خوش‌زبانی، اهل ذکر، اهل دوری از گناه، اهل جهاد و مبارزه با دشمنان، اهل تلاش و کوشش، اهل غیرت و همت، اهل یاری مظلوم و... بوده است، پس مخالفت با او، کوک کردن سازهایی است که مخالف سیره و روش آن حضرت است و آنها را در مسیر زندگی و سبک زندگی خود می‌نوازیم.

بدین روی، مخالفت با علی علیه السلام یعنی محبت غیر خدا در دل انباشتن، یعنی فریفته شدن به ظواهر دنیا، غرق تجملات گردیدن و فکر و ذهن را دائماً مشغول ثروت اندوزی کردن به همه‌قیمتی.

مخالفت با علی علیه السلام یعنی عادت به گناهان ریز و درشت و ساده‌انگاشتن شکستن حریم‌های پروردگار.

۵۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۹.



علی علیه السلام از بی عدالتی رنج می کشید؛ از اینکه عده ای از سیری خواب به چشمشان نیاید و عده ای دیگر از گرسنگی! از اینکه دستان چپاولگر و رانت خواران بر بیت المال تسلط یابند و با انواع رابطه ها و دوستی ها، حق مظلومان و پابرهنگان را غارت کنند.

از اینکه دارایی و ثروت برخی به شماره نیاید و برخی دیگر به نان خشکی شب را به صبح برسانند.

علی علیه السلام از حرام خواری رنج می برد. از بی تفاوتی نسبت به دین خدا و ترک امر به معروف و نهی از منکر نگران بود.

علی علیه السلام از بی غیرتی مردان رنج می کشید، لذا وقتی در عصر حکومت آن حضرت گزارش رسید که در راه ها بعضی از مردان و زنان، حریم عفت را رعایت نمی کنند، آن حضرت مردم کوفه را جمع کردند و در سخنرانی خویش خطاب به آنان فرمودند: به من خبر رسیده است که زنان شما در راه ها به مردان تنه می زنند، آیا حیا نمی کنید؟ خداوند لعنت کند کسی را که غیرت نمی ورزد!<sup>۵۳</sup> همچنین در روایت دیگری فرمودند: «أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَغَارُونَ نِسَاؤَكُمْ يُخْرِجَنَّ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُزَاحِمَنَّ الْعُلُوجَ؛ آیا خجالت نمی کشید و غیرت نشان نمی دهید! زنان شما در بازارها رفت و آمد می کنند و با مردان بیگانه رخ به رخ شده، با بی بند و بارها اختلاط پیدا می کنند؟!»<sup>۵۴</sup>

آن حضرت از بدحجابی و کاسته شدن شخصیت و شرافت دختران و زنان نگران بود و به خوبی می دانست که بدحجابی زنان، آنان را به بازیچه ای در دست مردان و عروسک خیمه شب بازی شبیه خواهد ساخت، در حالی که زنان با مردان از جهات مختلف نه تنها مساوی، بلکه در بسیاری موارد جلوتر هستند؛

۵۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۵؛ کافی، ج ۵، ص ۵۳۶؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۵؛ همچنین حضرت علی (ع) در روایتی چنین فرمودند: کسی که غیرت نمی ورزد، قلبش واژگون و دور از درک حقیقت خواهد بود. (بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۷).

۵۴. المحاسن، ج ۱، ص ۱۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۶.



از این رو تربیت یافتگان مکتب علی علیه السلام و زهرا علیها السلام یعنی زینب و ام کلثوم، بر حجاب و عفاف خود تأکید ویژه داشتند، تا آنجا که یحیای مازنی یکی از اهالی مدینه می گوید: مدت ها در مدینه، در همسایگی علی علیه السلام در یک محله زندگی می کردم. منزل من در کنار منزلی بود که «زینب» دختر علی علیه السلام در آنجا سکونت داشت. به خدا سوگند! هیچ گاه کسی، قد و قامت او را ندید و صدای او را هم نشنید. او هرگاه می خواست به زیارت جدّ بزرگوارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برود، در دل شب و به همراه پدرش امیرمؤمنان علیه السلام و برادرانش حسن و حسین علیهما السلام می رفت. علی علیه السلام درباره ی تشریف این گونه زینب علیها السلام به امام حسن علیه السلام می فرمود: «أَخْشَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ أَلَى شَخْصٍ أَخْتِكَ زَيْنَبُ؛ بیم دارم که کسی به اندام خواهرت زینب نگاه کند».<sup>۵۵</sup>

روشن است که معنای این سخن و سیره ی آن حضرت علیها السلام، آموزش پیروان و دوستداران به لزوم حفظ حریم ها، مراقبت از خانواده و غیرت ورزی بجا و شایسته است، نه به معنای مخفی کردن زنان و دختران در پستوی خانه و جلوگیری از پیشرفت علمی و اجتماعی آنان؛ همانگونه که روش حضرت زهرا علیها السلام و زینب علیها السلام نیز چنین بود که علاوه بر تدریس زنان و بانوان، در عرصه های اجتماعی و دفاع از حق و حقیقت نیز حضور فعال داشته اند. سخنرانی حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد و در جمع مردم مشهور است و همگان، یاد و خاطره ی کربلا و پیام رسانی این واقعه عظیم را مدیون زحمات و حضور فعال حضرت زینب علیها السلام در عرصه می دانند و پیش از آن نیز، ایشان در مدینه، برای بانوان، جلسات قرآنی و مانند آن داشت.

فراموش نکنیم که آنچه اهل بیت علیهم السلام و شخص امیرمؤمنان علیه السلام بر آن اصرار می ورزیدند، حفظ جایگاه و

۵۵. وفیات الاممة، جمعی از نویسندگان، نشر دار البلاغه، بیروت، ص ۴۳۵؛ شیخ جعفر نقدی، کتاب زینب کبری، ص ۲۲؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۰.





شخصیت بانوان از یک سو و غیرت ورزی و حفظ عفت خانواده توسط مردان است که باید از همان دوران کودکی و در نهاد خانواده، مفاهیمی مانند حیا و پاکدامنی را به فرزندان خود بیاموزند تا حضور اجتماعی آنان نیز، حضوری عفیفاً و همراه با حیا و آزرَم زنانه و خدایی باشد.

در تاریخ می خوانیم که وقتی بانوان اهل بیت علیهم السلام را وارد شهر کوفه کردند. زینب علیها السلام مصمم بود تا دل های کوفیان را منقلب کند. تصمیم گرفت در جمع آنان خطبه بخواند؛ خطبه ای آتشین که دل ها را به آتش کشد و جان ها را سوزاند، اما مهم، نحوه ی سخن گفتن اوست. شهید مطهری رحمته الله اوج عفاف و منزلت حضرت زینب علیها السلام را در این هنگامه به خوبی به تصویر می کشد: ... زینب شاید از روز تاسوعا اصلاً خواب به چشمش نرفته. سرهای مقدس را قبلاً برده بودند... وضع عجیبی است، غیر قابل توصیف. دم دروازه ی کوفه، دختر علی، دختر فاطمه، اینجا تجلی می کند. این زن با شخصیت که در عین حال زن باقی ماند و گران بها، خطابه ای می خواند.

راویان چنین نقل کرده اند که در یک موقع خاصی، زینب موقعیت را تشخیص داد و «قَدْ أَوَمَاتُ» دختر علی یک اشاره کرد... گویی نفس ها در سینه حبس شد و صدای زنگ ها و هیاهوها خاموش شد... راوی گفت: «وَلَمْ أَرَ وَاللَّهِ خَفْرَةً قَطُّ أَنْطَقَ مِنْهَا» این «خفره» خیلی ارزش دارد. خفره یعنی، زن با حیا. این زن نیامد مثل یک زن بی حیا حرف بزند. زینب آن خطابه را در نهایت عظمت القا کرد... این است نقش زن به شکلی که اسلام می خواهد. شخصیت در عین حیا، عفاف، عفت، پاکی و حریم.<sup>۵۶</sup>

### پیام غدیر

بنابراین، اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی مخالفت با

۵۶. حماسه حسینی، ج ۲، ص ۳۴۶.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) هشدار دادند، تحذیر و هشدارى جاودان و همیشگی است و هر زمان این گونه اتفاقِ ها و حوادث تکرار شوند، همان روزی خواهد بود که بار دیگر علم مخالفت با مولای متقیان برافراشته شده و در مقابل او ایستاده اند. نتیجه و پیامد آن نیز به فرموده ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خطبه غدیر: «وَأَتَقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالَفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمُ بَعْدَ ثُبُوتِهَا؛ از مخالفت با علی (علیه السلام) پرهیزید، مبادا که گام هایتان پس از استواری بلغزد».

یعنی زمانی که به باورهای علی (علیه السلام)، به خواسته های علی (علیه السلام)، به سفارشات علی (علیه السلام) گوش ندهید و رفتارتان مخالف سیره و روش او باشد، وقتی نامتان شیعه و دوستدار علی (علیه السلام) باشد و رفتارتان مخالفت با او، نتیجه اش این خواهد شد که رفته رفته از مسیر زندگی علوی و فاطمی دور شده، پایانش انحراف از دین، بدعابتی و جهنمی شدن است، همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در فرازی دیگر از این خطبه، سرانجام مخالفت با سیره ی حضرتش را چنین اعلام می کند: «فَاَحْذَرُوا أَنْ تُخَالَفُوهُ. فَتَصْلُوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ؛ از مخالفت او بهراسید، و گرنه در آتشی وارد خواهید شد که هیزم آن [بدن های] مردم [گنه کار] و سنگ ها [بتها] است و برای حق ستیزان و کافران آماده شده است».

راه نجات نیز تنها و تنها همان است که پیامبر فرمود: و اتقوا الله؛ از گناه فرار کنید و به دامن خدا پناه ببرید.

در کوی حیدر، در «مهر باران»

شرط است پاکی، بر جمله یاران

راهی ندارد آلوده دامن

تنها و تنها، پرهیز کاران



## اولویت های زندگی

ایها النَّاسُ، مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: اللهُ ورسولُهُ.  
فقال: أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فِهَذَا عَلَىٰ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ  
عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

ای مردم! کیست سزاوارتر از شما به شما؟ گفتند خداوند و پیامبر  
او! سپس فرمود آگاه باشید! آنکه من سرپرست اویم، پس این علی  
سرپرست اوست! خداوندا دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد  
و دشمن بدار هر آن که او را دشمن دارد و یاری کن یار او را؛ و تنها  
گذار آن را که او را تنها بگذارد.



### پنجره ای روبه حقیقت

شخصی دو دینار نزد رسول خدا ﷺ آورد و عرض کرد:  
می خواهم آن را در راه خداوند صرف کنم. پیامبر ﷺ فرمود:  
والدین تو زنده هستند؟ پاسخ داد: بلی! حضرت فرمود: برای آنان  
خرج کن.

آن شخص بار دیگر گفت: یا رسول الله! می خواهم این پول را  
در راه خدا مصرف کنم. حضرت که از وضع آن شخص آگاهی  
داشت، فرمود: این پول را خرج نیازهای فرزندان کن. آن مرد  
برای بار سوم سخن خود را تکرار کرد، باز رسول خدا ﷺ فرمود:  
برای همسرت خرج کن! بار چهارم فرمود: برای خدمت خرج کن

و بار پنجم فرمود: برو آن را در راه خدا خرج کن!<sup>۵۷</sup>

## آهنگ زندگی

انسان بر اساس اولویت هایی که برای زندگی خود تعریف می کند، تلاش ها و فعالیت های خود را هماهنگ می نماید. حتی در کارهای جزئی و روزمره نیز برای خود اولویت هایی دارد که مثلاً از فلان مغازه خرید نماید، به فلان مهندس، تعمیر کار یا بناً مراجعه نماید و موارد فراوانی از این قبیل.

در ازدواج، در انتخاب همسر، در رابطه با خویشاوندان، در کسب و کار، در سرمایه گذاری، در انتخاب دوستان شخصی یا خانوادگی، در تعیین شریک و همکار، در انتخاب مدرسه و دانشگاه برای فرزندان، در خرج کردن حقوق و مزایا، در انتخاب ماشین و خانه و... مواردی است که انسان براساس سلیقه، نیاز و دیگر فاکتورهای مدنظر خویش، آنها را بر می گزیند.

در مسیر دینداری نیز اولویت هایی وجود دارد که نوع برخورد با آن، نشان دهنده ی درجه ی ایمان و پایبندی انسان به آموزه های الهی است.

به عنوان مثال، هنگام همزمانی کار و نماز، کدام مقدم می شود؟ روش بزرگان و پیشوایان دین چنین بوده که هیچ چیزی آنان را از انجام نماز در وقت آن باز نمی داشت که نماز امام علی علیه السلام در بحبوحه ی جنگ صفین و نماز امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا را همگان به خاطر دارند. امام علی علیه السلام می فرمود: «هیچ عملی نزد خداوند، محبوب تر از نماز نیست، پس در وقت نماز هیچ کار دنیایی شما را به خود مشغول ندارد».<sup>۵۸</sup>

جالب اینجاست که خیلی ها فکر می کنند که اگر مثلاً موقع نماز مغازه را تعطیل کنند، تعدادی از مشتریان را از دست داده و آمار فروش و سودشان کم خواهد شد، برخی دیگر تصور می کنند

۵۷. کافی، ج ۴، ص ۳۳، ح ۳.  
۵۸. «لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ، فَلَا يَسْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا». خصال، ص ۶۲۱، ح ۱۰.





که اگر هنگام نماز، کار یا خریدی را که شروع کرده اند، ادامه ندهند، بعد مجبور می شوند وقت بیشتری صرف آن کنند، یا زنان خانه دار فکر می کنند که مثلاً ابتدا فلان کار خانه را انجام و سپس به نماز بپردازند، تا تنظیم کارها به هم نخورد و دهمها مثال از این قبیل که همگی آنها، اولویت دادن به چیزهایی است که در آنها منفعت دنیوی یا آسان شدن کارها است، در حالی که امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «مردم چیزی از کار دینشان [چون نماز] را برای به دست آوردن سود دنیا از دست نمی دهند، مگر آنکه خدا به روی آنها چیزی را می گشاید که زیانش بیشتر است از آن سودی که به دست آورده اند».<sup>۵۹</sup> یعنی اگر کسی برای به دست آوردن مال دنیا، نمازهای واجب، پرداخت قرض و بدهی، دیدار اقوام، کمک به نیازمندان و ... کنار بگذارد و اولویت را به چیزهای دیگر بدهد، نه تنها به مقصود خود نمی رسد، بلکه چه بسا ضرر بیشتری را هم متحمل گردد.

مشابه این رفتارها در زندگی، فراوان به چشم می خورد، هنگام زیارت و تفریح، انفاق به اقوام نیازمند یا دیگران، بخشش پنهانی یا علنی، نماز فرادا یا شرکت در نماز جماعت مسجد، تفریح با دوستان یا سر زدن به پدر و مادر و شاد کردن دل آنها و... در این موارد، اولویت به کدام گزینه داده می شود؟

از مجموع این انتخاب ها، هر کس می تواند با اولویت های خود در زندگی آشنا شود و دریابد که آیا سبک زندگی او به دینداری نزدیک تر است یا دنیاخواهی؟ آیا حرف اول زندگی او، مسائل دینی و باورهای مذهبی است، یا چیزهای دیگر؟

خلاصه آنکه، اگر دین و باورهای دینی برای انسان اولویت داشته باشد، آهنگ زندگی را بر مبنای خواست الهی بنا خواهد گذارد. رفتارها، گفتارها، دید و باز دیده ها، خوشی ها و تفریحات و... همه را با معیار رضایت الهی و با اولویت دادن به فرمان الهی

۵۹. نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶.



انجام خواهد داد.

## پیام غدیر

رسول خدا ﷺ نیز در خطبه غدیر، از اولویت زندگی حاضران آن روز و تمامی مخاطبان آینده خویش سؤال کردند و فرمودند: ایهَا النَّاسُ، مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ ای مردم! کیست سزاوارتر از شما به شما؟ قالوا: الله و رَسُوْلُهُ: گفتند خداوند و پیامبر او!

پیامبر در اینجا معیار روشنی برای راستی آزمایی و صحت پاسخ آنان ارائه کردند و فرمودند: اگر خدا و رسولش برای شما اولویت دارند و خود را هماهنگ و هم‌نوا با آنان می‌پندارید، پس باید به انتخاب و خواست الهی نیز گردن بگذارید و به آنچه اراده‌ی الهی به آن تعلق گرفته، پایبند باشید؛ زیرا پس از توحید و نبوت، فریضه‌ای واجب‌تر و مهم‌تر از معرفت و پذیرش ولایت اهل بیت علیهم‌السلام در دین یافت نمی‌شود و حتی بهره‌گیری از اعتقاد به توحید و نبوت و قبولی عبادات نیز مشروط به این است که فرد، پیرو ولایت ائمه اطهار علیهم‌السلام باشد و امام زمان خود را بشناسد

بعد چنین فرمودند: «أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ؛ آگاه باشید! آنکه من سرپرست اویم، پس این علی سرپرست اوست! خداوند دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن دارد و یاری کن یار او را؛ و تنها گذار آن را که او را تنها بگذارد».

بدین ترتیب، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اولویت زندگی سعادت‌مند را در پیروی از امیرمؤمنان علیه‌السلام و امام هر عصر و زمان دانستند و به ما آموختند که اگر در دینداری و خداخواهی خود صادق هستیم، باید زندگی خویش را بر مبنای رضایت امام زمان علیه‌السلام خویش بنا نهیم و اولویت‌های خود را با آنچه مورد پسند و رضایت ایشان است،



هماهنگ‌سازیم.

پیام غدیر برای امروز ما این است که ای شیعیان و محبان  
علی علیه السلام اولویت زندگی انسان باایمان، رضایت الهی و ترجیح  
دادن امور شرعی بر دیگر موارد است و هرگاه خواست‌های او با  
مسائل شرعی منافات داشت، دستور الهی را مقدم خواهد شمرد.



## مرضای خدا

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ، أَنْصَرُكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَان. وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدَحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ.

ای مردم! این علی است که بیش از همه مرا یاری کرده و

سزاوارترین، عزیزترین شما نسبت به من است، خداوند تبارک و

تعالی و من از او راضی و خشنودیم. آیه‌ای در قرآن در مورد رضایت

پروردگار نازل نشده مگر آنکه در شأن او است، و خداوند مؤمنان را

مخاطب قرار نداده، مگر آنکه به او ابتدا فرموده، و آیه مدح و ستایشی

نازل نگشته مگر آنکه او مراد و مقصود بوده است، و گواهی نداده

خداوند به بهشت در سوره «هل اتی علی الانسان» مگر برای او، این

سوره را در مورد کسی جز او نازل نفرموده و با آن کسی غیر او را

ستایش نفرموده است.

### پنجره‌ای روبه حقیقت

ناراحتی کتف، مزاحم دائمی برای این سردار حقیقی اسلام بود، همان جایی که قبلاً مورد اصابت تیر قرار گرفته بود، روی این حساب نمی‌توانست بارهای سنگین را حمل کند.



یک روز تصمیم گرفت برای سرکشی و کسب اطلاع از کمبودهای انبار، از آنجا دیدن کند. مسئول انبار (حاج امرالله) پیرمردی با محاسنی سفید و چهره ای گشاده بود. وقتی شهید باکری به آن قسمت می‌رسد، حاج امرالله به همراه هشت بسیجی جوان در حال خالی کردن بار کامیونی بودند که تازه از راه رسیده بود و آذوقه آورده بود.

حاج امرالله که شهید باکری را از روی قیافه نمی‌شناخت، وقتی می‌بیند ایشان کناری ایستاده و آنها را تماشا می‌کند، داد می‌زند: آی جوان! چرا همین طور ایستادی و ما رو نگاه می‌کنی؟ تا حالا ندیدی از کامیون بار خالی کنند؟ بیا بابا! بیا این گونی‌ها را تا انبار ببریم! آمده ای جبهه که کار کنی، یادت باشه از حالا تا وقتی که لازم باشه باید پا به پای این هشت نفر این بارها را خالی کنی! فهمیدی یا نه؟

این سرباز مخلص با معصومیتی صمیمی پاسخ می‌دهد: بله، چشم!

با آنکه حمل گونی‌های به آن سنگینی روی کتف مجروح، بسیار مشکل است، ولی شهید باکری بدون اینکه اظهار ناراحتی یا سختی کند، تمام گونی‌ها را خالی کرد.

نزدیکی‌ها ظهر، آقای طیب برای دادن آمار به حاج امرالله به آنجا می‌آید. بعد از سلام و احوالپرسی حاج امرالله به او می‌گوید: یک بسیجی پرکار امروز به ما کمک خوبی کرده است، نمی‌دانم از کدام قسمت است، می‌خواهم بروم و از بصیرتی بخوایم او را به قسمت ما منتقل کند.

طیب می‌پرسد: حاج امرالله! کدام بسیجی رو می‌گی؟ او آقا مهدی را نشان می‌دهد، طیب با حالت تعجب به سرعت به طرف او می‌رود و گونی را از روی شانه‌های او بر می‌دارد و بعد با ناراحتی به حاج امرالله می‌گوید: هیچ می‌دونی این آقا کیه؟ این آقا مهدیه، آقا مهدی باکری، فرماندمون!



حاج امرالله و هشت بسیجی دیگر تعجب می‌کنند و جلو می‌آیند. شهید باکری بدون اینکه بگذارد آنها حرفی بزنند، صورت شان را می‌بوسد و می‌گوید: حاج امرالله! من هم یک بسیجی‌ام.<sup>۶۰</sup>

## مدارزندگی

یکی از انتظارات بجا از انسان مؤمن محوریت خدا در تمام زندگی اوست؛ به گونه‌ای که اگر در برخی موارد احساس کرد رفتار او برخلاف خواست و رضایت الهی است، جرأت و اراده ترک آن را داشته باشد. حال اگر برخی افراد به واسطه‌ی قدرت، مال و ثروت و جمال و کمالاتی که خداوند به آنها داده، بخواهند دچار سرمستی و غرور شوند و با همان نعمت‌های خدادادی، به مخالفت با اوامر الهی بپردازند، پاسخ این بی‌محبتی و ناسپاسی را مشاهده خواهند کرد.

اما کسانی که عشق و محبت الهی در اعماق قلب‌شان وجود دارد، همه چیز را با فلش رضای الهی هماهنگ می‌کنند. آنان در تلاشند تا هرچه می‌کنند و هرچه می‌گویند، مطابق خواسته‌ی الهی باشد که البته دستاورد آن نیز سعادت و آرامش و رسیدن به کمالات مادی و معنوی برای خود انسان است.

نمونه‌های این نوع انسان‌های کامل و مخلص هم کم نیستند. از پیامبران الهی گرفته، تا معصومین علیهم‌السلام و در درجات پایین‌تر، دوست‌داران و پیروان اهل بیت و علما و شهدای ما. مثلاً شهید «همت» می‌گفت: این قدر پاک باشیم که خدا کلاً از ما راضی باشد. قدم بر می‌داریم برای رضای خدا، حرف می‌زنیم برای رضای خدا، شعار می‌دهیم برای رضای خدا، می‌جنگیم برای رضای خدا، همه چی، همه چی باید برای خدا باشد که اگر این‌طور بود، پیروزیم. چه بکشیم و چه کشته شویم، پیروزیم و

۶۰. من یک بسیجی‌ام، ص ۵۲.



هیچ ناراحتی نداریم و شکست معنا ندارد.<sup>۶۱</sup>  
 در زندگی معصومین علیهم‌السلام به عنوان بندگان خالص و حقیقی  
 خداوند، این گونه رفتارها کاملاً ملاموس است و همه از جانفشانی  
 ها و اخلاص امام حسین علیه‌السلام باخبرند که چگونه تمام زندگی و  
 هستی خودش را برای رضای الهی داد و از همه‌ی خواسته‌ها و  
 خوشی‌ها، برای رضای خداوند گذشت و در آخرین لحظات عمر  
 شریفش، در قتلگاه فرمود: «رِضاً بِقَضَائِكَ وَ تَسْلِيماً لِامْرِكِ وَ  
 لَامْعَبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ؛ خشنود به قضای تو و تسلیم  
 امر و فرمانت هستم و معبودی غیر تو نیست، ای فریادرس فریاد  
 جویان».

### داستان زندگی ما

در زندگی همواره با چنین امتحاناتی رو به رو هستیم و بسیاری  
 از ما، از امتحان‌های ساده و معمولی هم سربلند خارج نمی‌شویم  
 و چه بسا روزه می‌گردیم. مثلاً بعضی‌ها به بهانه خجالت، نماز را  
 ترک می‌کنند؛ یعنی مهم‌ترین جلوه‌ی بندگی خدا را با بهانه‌ای  
 به نام خجالت کنار می‌نهند!

یا بعضی دختر خانم‌ها می‌گویند: ما اگر حجاب داشته باشیم و  
 یا چادر به سر کنیم، فلان کس، یا فلان فامیل و دوست ناراحت  
 می‌شود!<sup>۶۲</sup> یعنی او حاضر است خدا را ناراحت کند، اما دوست و  
 فامیل ناراحت نشوند!

یا هنگام ازدواج و عروسی که می‌شود، باید برای دینداری  
 برخی عزا گرفت؛ گویی رضایت خداوند و پایبندی به ضوابط  
 دینی، برای چند روزی تعطیل می‌شود و انسان آنچه خود  
 تشخیص می‌دهد یا اطرافیان برای او دیکته می‌کنند را، بر  
 خواست الهی مقدم می‌شمارند.

۶۱ مجموعه سی‌دی‌های روایت فتح، فاتح خیبر، فیلم زنده عملیات خیبر.

۶۲ امام حسین(ع) فرمودند: «من طلب رضی الناس بسخط الله وکله الله الی الناس؛ کسی که برای جلب رضایت و خوشنودی مردم، موجب خشم و غضب خداوند شود، خداوند او را به مردم وا می‌گذارد». بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۶.



در تربیت فرزند، چگونگی شرکت در محافل و مجالس، اشتغال و کسب درآمد، کنترل زبان و گفتار، رابطه با خویشاوندان و موارد فراوانی از این گونه رفتارها که بی شک بسیاری از آنها نیازمند بازنگری و اصلاح است.

### به راستی آیا سیره‌ی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام چنین بود؟

نگاهی به شیوه‌ی زندگانی اسوه‌های کاملی که ما افتخار پیروی از آنان را داریم، نکات قابل تأمل و درس آموزی برای تطبیق آن بر افکار و روش زندگی امروز ما دارد. برای نمونه، لحظه‌لحظه‌ی زندگانی بانوی بهشتی و تربیت شده‌ی فرهنگ نبوی، یعنی حضرت زهرا علیها‌السلام، بر محور رضایت الهی بود و خداخواهی در تمامی رفتارها و درخواست‌های ایشان موج می‌زد و در تمام صحنه‌های زندگی، رضایت خدا بر غیر خدا ترجیح داشت.

وقتی به خواستگاری زهرا علیها‌السلام آمدند، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ایشان فرمودند: «دخترم! علی علیه‌السلام، به خواستگاری آمده است. نظرت چیست؟» حضرت زهرا علیها‌السلام اولین نکته و سؤالی که پرسید، این بود: «أَرْضَى اللهُ؛ آیا خدا از این ازدواج من راضی است؟»<sup>۶۳</sup>

آن حضرت به همه آموختند که انسان باید زندگی مشترک خود را بر پایه‌ی معنویات و با محوریت جلب رضایت الهی بنا بگذارد، تا آرامش و سکون، شادی و نشاط واقعی و رسیدن به اهداف آفرینش را برای آنها به ارمغان بیاورد؛ لذا مدتی بعد از ازدواج، وقتی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از امیرالمؤمنین پرسیدند: «زهرا چگونه همسری برای تو است؟» امیرالمؤمنین علیه‌السلام عرضه داشت: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللهِ؛ فاطمه بهترین کمک برای

۶۳ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۴۴.





من در مسیر طاعت خداست». ۶۴

و خود آن حضرت در سخنی که شاید برای بسیاری از زندگی های امروزی، بیشتر به یک آرزو شبیه باشد تا واقعیت، فرمودند: «والله ما اغضبتني؛ به خدا قسم، حتی یکبار هم فاطمه مرا عصبانی و خشمناک نکرد». ۶۵

واقعیت این است که وقتی همه چیز زندگی بر محور رضایت الهی باشد و زن و شوهر پا را از محدوده ی قوانین الهی فراتر نگذارند، محیط خانه، آرام و پُر از محبت و دلدادگی و لحظات کنار هم بودن، زیباترین و شادترین لحظات زندگی آنان خواهد بود و همدم موافق و مهربان یکدیگر و برطرف کننده ی غمها و غصه های یکدیگر خواهند بود؛ همانگونه که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظِرُ إِلَيْهَا فَتَكْشِفُ عَنِّي الْهَمُّومُ وَالْأَحْزَانُ بِنَظَرِي إِلَيْهَا؛ و هر گاه به زهرا علیها السلام نگاه می کردم، نگرانی ها و غم هایم از بین می رفت». ۶۶

ولی آیا در خانه های شیعیان علی علیه السلام چنین فضای صمیمی و عاشقانه ای برقرار است؟ آیا مراسم های مختلف عقد و عروسی، عاری از گناه و معصیت است؟ آیا سخت گیری های بیجا، جهیزیه های آن چنانی و مخارج کمرشکن، موافق روش اهل بیت علیهم السلام است؟ آیا...

بنابراین، وقتی نه تنها مثل آنان عمل نمی کنیم، بلکه بیشتر رفتار ما مخالف شیوه ی زندگی آنان و در بسیاری از موارد گناه آلود و برخلاف رضایت الهی است، پس چگونه زندگی آرام و شاد و کم دغدغه را انتظار می کشیم؟

## مرتضای خدا

در تمام لحظات زندگی مبارک حضرت علی علیه السلام نیز اصل

۶۴ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷، مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۵۵.

۶۵ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۴.

۶۶ مناقب خوارزمی، ص ۳۵۴، کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۳.



عمل برای خدا و کسب رضایت الهی جریان دارد، از خوابیدن در بستر پیامبر در لیلۃ المبیت و خطر حمله ی دشمن را به جان خریدن گرفته،<sup>۶۷</sup> تا کشتن قهرمان عرب (عمرو بن عبدود) در جنگ خندق، جانفشانی و دفاع جانانه از پیامبر در جنگ احد و دریافت مدال جوانمردی توسط فرشته وحی،<sup>۶۸</sup> تا سکوت ۲۵ ساله به خاطر بقای دین و حفظ منافع کلان اسلام،<sup>۶۹</sup> و دهها فداکاری و ایثار و اخلاص دیگر که زینت بخش صفحات تاریخ اسلام شده است.

«ابن عباس» جمله ی زیبایی دارد. وی می گوید: علی علیه السلام در تمامی کارهای خود همواره در پی رضایت الهی بود و به همین جهت «مرتضی» نامیده شد.<sup>۷۰</sup>

## پیام غدیر

در فضای معنوی غدیر نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به صراحت از این ویژگی امیر مؤمنان سخن گفتند و فرمودند: وَاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَان. وَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضَاً (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ؛ خداوند عزوجل و من از علی علیه السلام خشنود و راضی هستیم. آیه ای در مورد رضایت پروردگار نازل نشده مگر

۶۷ «وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ بعضی از مردم با ایمان [همچون علی در لیلۃ المبیت] به هنگام خفتن در جایگاه پیامبر [جان خود را برای کسب خشنودی خدا می فروشدند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است]. سوره بقره، آیه ۲۰۷.

۶۸ «لافتی الا علی لا سيف الا ذوالفقار؛ جوانمردی چون علی و شمشیری چون ذوالفقار نیست». سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۸۸؛ بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۰۵.

۶۹ امام علی (ع) در مناسبت های مختلف به دلایل خدایسندانه خویش درباره فلسفه سکوت اشاره دارند، از جمله: یک: «اینکه سکوت برگزیدم، از علوم و حوادث پنهانی آگاهی دارم که اگر باز گویم مضطرب می گردید، چون لرزیدن ریسمان در چاه های عمیق». (خطبه ۵ نهج البلاغه). دو: «با خود اندیشیدم و دیدم که صبر (بر محرومیت از حق ولایت و زعامت مسلمین) بهتر است از به هم زدن وحدت مسلمین و ریخته شدن خونشان، چرا که مردم تازه مسلمان بودند و دین نوپا به مشک می ماند که کمترین سستی آن را تباہ و ناتوان ترین مردم آن را وارانه می کرد». (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ذیل خطبه ۶۵). سه: «در شرایط حساس بعد از رسول خدا (ص)، برای ما حفظ اساس دین (که جز با چشم پوشی از حق خلافت ما حاصل نمی شود) از هر چیز دیگر ارزشمندتر است». (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ذیل خطبه ۱۱۹). چهار: «سوگند به خدا! به آنچه انجام داده اید گردن می نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمین رو براه باشد و از هم نباشد، و جز من به دیگری ستم نشود». (خطبه ۷۴ نهج البلاغه).

۷۰ «کان علی (ع) يتبع في جميع امره مرضاة الله و لذلك سُمِّي المرتضى». بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۵۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۰۴.



آنکه در شأن اوست. و خداوند مؤمنان را مخاطب قرار نداده، مگر آنکه به او آغاز کرده [و او اولین شخص مورد نظر خدای متعال بوده است] و آیه مدح و ستایشی نازل نگشته، مگر درباره ی او. و گواهی نداده خداوند به بهشت در سوره ی «هل أتى علی الإنسان»، مگر برای او، و این سوره را در حق غیر او نازل نکرده و با آن جز او را نستوده است.

در فرازی دیگر، آن گاه که دستان ولایت را بلند کردند، دیگر باز خطاب به حاضران فرمودند: مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَاعِي عِلْمِي، وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلِيٌّ مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلِيٌّ تَفْسِيرُ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَ الْمُوَالِي عَلِيٌّ طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ؛ هان مردمان! این علی است برادر و وصی و نگاهبان دانش من. و هموست جانشین من در میان امت و بر گروندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا که مردمان را به سوی او بخواند و به آنچه موجب خشنودی اوست عمل کند و با دشمنانش ستیز نماید. او پشتیبان شما در مسیر اطاعت خداوند و بازدارنده از نافرمانی اوست.

بنابراین، وقتی علی علیه السلام، مرتضی شد و به امامت و رهبری منصوب گردید، آن گاه است که خداوند نیز راضی و خشنود می شود و به چنین دینی رضایت می دهد و می فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ امروز آیین شما را به کمال، و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم، و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم».

ان شاء الله همه ما بتوانیم زندگی را بر مبنای زندگی علوی بنا کنیم و در همه شؤون زندگی، رضایت الهی را بر دیگر درخواست ها مقدم نماییم.



## کوکب انکاری گناه

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ ابْلِسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا  
تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَزِلَّ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أُهْبِطَ إِلَى  
الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَيْفَ  
بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ.

ای مردم! همانا ابلیس آدم را بخاطر حسادت از بهشت بیرون کرد، پس نسبت به علی علیه السلام حسد نورزید که اعمال شما باطل و قدم‌هایتان دچار لغزش شود، آدم به خاطر یک اشتباه به زمین فرود آمد در حالی که او برگزیده خدا بود، نسبت به شما چگونه خواهد بود و شما شمائید و در میان شما دشمنان خدا هستند.

### پنجره‌ای روبه حقیقت

با محمدعلی داشتیم می رفتیم جایی. پیچیدم توی خیابان یک طرفه. زد روی پام و گفت: داری گناه می کنی ها! توی جمهوری اسلامی این کار تو خلاف قانونه، قانون هم که رعایت نکنی، گناه کردی، عین اینکه نمازت عمداً قضا بشه، هیچ فرقی هم نمی کنه.<sup>۷۱</sup>

### لبه‌ی پرتگاه

بی تفاوتی نسبت به بسیاری از گفتارها و رفتارها و نادیده

۷۱. خاطره‌ای از زندگی شهید دکتر محمدعلی رهنمون، یادگاران، کتاب شهید رهنمون، ص ۳۸.

انگاری اشتباهات خود، باعث تنزل معنوی و ایجاد گره در زندگی خواهد شد. به ویژه آنکه اگر این روند بی تفاوتی تداوم داشته، پیوسته اشتباهی روی اشتباهات پیشین انباشته گردد و انسان به تصور اینکه خطا و اشتباهی ندارد، یا اشتباهش آن قدر ناچیز است که ارزش توجه کردن را ندارد، خود را در سرایشی سقوط و لبه ی پرتگاه قرار می دهند و آن هنگام است که شیطان با اشاره ای کوچک، هلاکت معنوی و سقوط از مقام ایمان و تقوا را برای آنان رقم می زند.

داستان «برصیصای عابد» نمونه ی خوبی برای این سخن است که پس از آنکه با وسوسه ی شیطان، لغزشی از او سر زد و محکوم به اعدام شد، لحظه ی اعدام، شیطان بار دیگر خود را حاضر ساخت تا بلکه تیر خلاص را بر ایمان کم رmq و نحیف شده ی او شلیک نماید. او به بهانه ی نجات، از عابد نادان خواست که بر او سجده نماید، او نیز در همان حالت با بر هم نهادن پلک ها، سقوط در دره ی کفر و هلاکت معنوی خویش را امضا نمود.

امام کاظم علیه السلام به یکی از شاگردان برجسته ی خود به نام «هشام» توصیه هایی بس زیبا و هشداردهنده دارند و در فرازی از این توصیه نامه می فرماید: «يَا هِشَامَ بْنَ الْحَكَمِ... إِنَّ صِغَارَ الذُّنُوبِ وَ مُحَقَّرَاتِهَا مِنْ مَكَايِدِ إِبْلِيسَ؛ هشام! بدان که گناهان کوچک که چندان به چشم مردم نمی آیند، از ترندهای شیطان است و او با همین نوع از گناهان، مردم را فریب داده و آن ها را در دام خود سخت می فشارد و اسیر خود می کند».

آن گاه امام کاظم علیه السلام شگرد آن دشمن دیرین در این دغل بازی را هم تشریح کرده و می فرمایند: «يُحَقِّرُهَا لَكُمْ وَ يُصَغِّرُهَا فِي أَعْيُنِكُمْ؛ کاری که شیطان می کند این است که ابتدا گناه را در نظر ما خوار و بی ارزش نشان می دهد».





## مثال‌های شیطانی

تعبیر رایجی مانند: «اینکه چیزی نیست؛ خیلی حساس نباش؛ ای آقا این همه گناهان بزرگ بزرگ دارن انجام میدن، اینکه چیزی نیست؛ میلیارد میلیارد اختلاس می کنن، بعد شما گیر دادی به این چند صد تومن؛ خدا مهربونه و فرصت توبه زیاده؛ یه شب که هزار شب نمی شه؛ دلت پاک باشه، حجاب ظاهری که مهم نیست؛ نماز هم نخوندی مشکلی پیش نیاده، چون عبادت به جز خدمت خلق نیست! و عبارت‌هایی شبیه آن»، بر اساس همین سیاست فریب شیطانی تولید و منتشر شده است.

سپس امام کاظم علیه السلام در تشریح پیامد و نتیجه‌ی دنباله‌روی این گونه از شیطان، می‌فرماید: «فَتَجْتَمِعُ وَ تَكْثُرُ فَتَحِيطُ بِكُمْ؛ نتیجه‌ی این کوچک دیدن‌ها و سهل‌انگاری‌ها و بالطبع استغفار نکردن‌ها، این می‌شود که گناهان انسان متراکم و به هم تنیده می‌شوند و این توری که خود بافت و به روی خود انداخت، تمام جان او را در بند می‌کند».<sup>۷۲</sup>

قرآن نیز می‌فرماید: «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَ أَحَاطَتْ بِهِ خَاطِئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتش‌اند و جاودانه در آن خواهند بود».<sup>۷۳</sup>

لذا کسانی که اهل دقت و توجه در مسائل معنوی هستند، به شدت مراقب تمامی رفتارها و گفتارهای خود هستند و از هرگونه گفتار یا حرکتی که بوی عقب ماندگی معنوی و سقوط در سرایشی گناه از آن به مشام برسد، پرهیز می‌نمایند و با احساس حضور شیطان، فوراً از آن فاصله می‌گیرند، همانگونه که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ؛ کسانی که پرهیزگاری می‌کنند چون از

۷۲. تحف العقول عن آل الرسول ص ۳۹۲.

۷۳. سوره بقره، آیه ۸۱.



شیطان وسوسه ای به آنها برسد، خدا را یاد می کنند، زیرا مردمی صاحب بصیرتند».<sup>۷۴</sup>

رهبر معظم انقلاب دامت برکاته، پیرامون لزوم هوشیاری انسان متقی در برابر شیطان می فرماید: در اصطلاحات قرآنی، آن چیزی که نقطه ی مقابل غفلت است، تقواست. تقوا، یعنی بهوش بودن و دائم مراقب خود بودن.<sup>۷۵</sup> تقوا، یعنی مواظب باشید هر عملی که از شما سر می زند، منطبق بر مصلحتی باشد که خدای متعال برای شما در نظر گرفته است. تقوا چیزی نیست که کسی بتواند یک لحظه آن را رها کند. اگر رها کردیم، جاده لغزنده است، درّه عمیق است؛ خواهیم لغزید و سقوط خواهیم کرد، تا باز جایی دستمان به مستمسکی، سنگی، درختی و بوته ای گیر کند و بتوانیم خودمان را بالا بکشیم. «ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون» وقتی که آدم با تقوا، مس شیطان را احساس کرد، فوراً به خود می آید و حواسش جمع می شود. شیطان که از ما دور نمی شود!<sup>۷۶</sup>

اگر از آدم غافل ده ها گناه سر می زند و اصلاً حس نمی کند که گناه کرده است؛ آدم متقی، درست نقطه ی مقابل اوست. اندک گناهی هم که می کند، فوراً متذکر می شود که گناه کرده است و به فکر جبران می افتد. به مجرد اینکه شیطان از کنارش عبور می کند و باد شیطان به او می خورد، فوراً حس می کند که شیطان زده شده و دچار اشتباه و غفلت گردیده است؛ «تذکروا»: به یاد می افتد. «فاذا هم مبصرون»؛ چنین آدمی، چشمش باز است.<sup>۷۷</sup>

## پیام غدیر

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در خطبه ی غدیر بارها بر لزوم پرهیزگاری و

۷۴. سوره اعراف، آیه ۲۰.

۷۵. بیانات معظم له در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸.

۷۶. بیانات معظم له در خطبه های نماز جمعه ۱۳۷۲/۱۲/۱۴.

۷۷. بیانات معظم له در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸.

دوری از گناه تأکید کردند و هشدار دادند که هیچ کس حق ندارد گناهان و لغزش های خود را ناچیز بشمارد، زیرا کوچک شمردن گناه، باعث سقوط انسان از مقام تقوا و دینداری می گردد، وقتی که یک لغزش و ترک اولی از سوی پدر این امت [حضرت آدم علیه السلام]، باعث هبوط او گردید، دیگر تکلیف دیگران روشن خواهد بود.

امروزه به عینه شاهدیم که بسیاری از رابطه های گناه آلود با یک نگاه، با یک پیامک و مانند آن شروع شده به قتل و خودکشی، بی آبرویی، فروپاشی خانواده و برجای ماندن فرزندان طلاق و مانند آن ختم شده است.

پیام غدیر برای امروز ما این است که هیچ لغزش و گناهی را کوچک نشمارید و اگر مرتکب لغزش و گناهی شدید، فوراً استغفار نمایید و با عزم و اراده ی قوی، از مسیر گناه آلود جدا و به جاده دینداری و تقوا باز گردید، و گرنه آفات و پیامدهایی گریبانگیر انسان خواهد شد که دیگر پشیمانی سودی به حالشان نخواهد داشت.



## ور شش‌سگان معنوی

أَلَا وَآنَهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَلَا يُؤَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَ  
لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ. وَفِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ

العَصْرِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي  
خُسْرٍ» الَّا عَلِيٌّ الَّذِي آمَنَ وَرَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ

آگاه باشید! با علی جز شقی و بدبخت دشمنی نمی کند و  
جز پرهیزکار و لایتش را نمی پذیرد و جز مؤمن باخلاص به او  
ایمان نمی آورد. به خدا سوگند سوره «والعصر» درباره علی علیه السلام  
نازل شده است: «به نام خداوند بخشنده مهربان. قسم به عصر، انسان  
در زیان است مگر علی علیه السلام که به حق راضی گشته و صبر و  
شکیبایی را پیشه خود نموده است.»

### پنجره ای روبه حقیقت

صدای انفجار آمد و سنگرش رفت هوا. هر چه صدایش زدیم  
جواب نداد... رفتیم جلو، سرش پراز ترکش شده بود. جیب هایش  
را خالی کردیم یک کاغذ توش پیدا کردیم که روش نوشته بود:  
گناهان هفته:

شنبه: احساس غرور از گل زدن به طرف مقابل؛ یکشنبه:  
زود تمام کردن نماز شب؛ دوشنبه: فراموش کردن سجده شکر  
یومیه؛ سه شنبه: شب بدون وضو خوابیدن؛ چهارشنبه: در جمع  
با صدای بلند خندیدن؛ پنج شنبه: پیش دستی فرمانده در سلام



کردن؛ جمعه: تمام نکردن صلوات های مخصوص جمعه و رضایت دادن به هفتصد تا». اسمش حسینی بود. تازه رفته بود دبیرستان.<sup>۷۸</sup>

### بال شکسته

یکی از نکات پر کاربرد در آموزه های دینی، همراهی و مقارنت ایمان و عمل صالح است. نهاد و فطرت پاک هر شیعه ای به وجود خداوند متعال باورمند است، آنچه تبلور و ظهور کمتری داشته و نیازمند تأمل و واکاوی است، تبیین و تفسیر موشکافانه و کاربردی عمل صالح است که در واقع، بازتاب بیرونی ایمان واقعی است.

به عبارت دیگر، برای درک حقیقی بودن ایمان افراد، باید به رفتارها و واکنش ها و به تعبیری، سبک زندگی آنان نگریم؛ زیرا هر کس به ایمان واقعی دست یافته باشد، در منش و کنش خویش نیز، نیک کردار خواهد بود و به انجام عمل صالح در هر حالی مبادرت خواهد ورزید.

بسیاری از افراد دارای بال ایمان هستند، ولی بال عمل صالح، در مورد تعداد زیادی از آنان یا وجود ندارد و یا اینکه آن قدر زخمی و شکسته است که توان پرواز به انسان نمی دهد؛ به همین سبب است که رفتارهای و اعمال زیاد، آدمی را به سوی کمال و قرب الهی نمی رساند و آن چنان که باید، بر معنویت و خداخواهی انسان نمی افزاید. نمونه ها و مصادیق فراوانی در سبک زندگی و روش فردی، اجتماعی و خانوادگی به چشم می خورد که همانند تیرهایی بر بال عمل شایسته نشانه رفته و آن را ناکارآمد و از پا افتاده نموده است.

به راستی آیا بدرفتاری و بداخلاقی با خانواده، فحش و بدزبانی، تحقیر فرزندان، سخت گیری های بیجا، خودخواهی

۷۸. آخرین امتحان، ص ۷۴.





و منت گذاری بر همسر و فرزندان، عمل صالح و مورد پسند خداوند است؟

اینکه با کوچکترین بهانه ای با خانواده و خویشان نزدیک، به ویژه پدر و مادر خود قطع رحم و آنان را ترک نماید و تمایلات شخصی و دلخوری های همسر را بر دستور الهی - مبنی بر احترام و تواضع نسبت به والدین - ترجیح دادن،<sup>۷۹</sup> آیا عمل صالح است؟

اینکه جنس یا مالی را به امانت می گیرد و پس نمی دهد؛ اینکه بدهکار است و با وجود دارایی، طلب دیگران را نمی پردازد، آیا عملی است که خداوند از آن راضی باشد؟

تمسخر و شوخی با آبروی دوستان و همکاران به بهانه های مختلف، تهمت و غیبت و... آیا موافق خواست الهی است؟ زخم زبان و شکستن دل دیگران برای تسلی خاطر، تشفی قلب و التیام زخم روحی، آیا عمل صالح است؟

مخلوط کردن مال حلال و حرام، نپرداختن واجبات مالی مانند خمس و زکات با توجیه و دلیل تراشی، رفتاری دینی است؟ تلف کردن وقت اداری، انجام کارهای شخصی در اداره و کار ارباب رجوع را عمداً به تأخیر انداختن یا انجام کار آنان با منت و غرور، عمل شایسته و کسب حلال است؟

گوش دادن به موسیقی مبتذل، ساعت هانشستن پای ماهواره به بهانه خوش بودن و تفریح، و دهها نمونه از این گونه رفتارها و اشتباهات ریز و درشت، آیا باز هم می توانیم به خود جرأت بدهیم و بگوییم بال عمل صالح ما صحیح و سلامت بوده، آماده پرواز است؟

این چه ایمانی است که انسان نماز نمی خواند، روزه نمی گیرد و سال ها می گذرد و پایش به مسجد و هیأت و مزار امامان و امامزادگان و دیگر بقاع متبر که باز نمی شود؟

۷۹. «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا؛ برابرشان از روی مهربانی سر تواضع فرود آور و بگو: ای پروردگار من، همچنان که مرا در خردی پرورش دادند، بر آنها رحمت آور». سوره اسراء، آیه ۲۴.



این چه ایمانی است که بیش از آنکه به خدا اعتماد داشته باشد، به فلان دوست بانفوذ، به وعده ی فلان مسؤل و... تکیه می نماید؟

اجازه دادن به همسر و دختر برای آرایش و پوشش نامناسب در کوچه و خیابان و در حضور افراد نامحرم، آیا رفتاری دینی و عملی پسندیده است؟ قطعاً نه! چرا که اگر مورد تأیید بود، پیامبر بر چنین رفتاری وعده ی آتش جهنم نمی داد، آن گاه که فرمود: «هر کس از زنش اطاعت کند، خداوند او را به صورت در جهنم می اندازد». پرسیدند: منظور شما چه نوع اطاعتی است؟ حضرت فرمودند: «اینکه به همسرش برای رفتن به جاهای نامناسب، عروسی ها، پوشیدن لباس های نازک و... اجازه دهد».<sup>۸۰</sup>

بنابراین اینکه کمیّت معنویت ما می لنگد و در بسیاری از امور زندگی با گره و مشکلات مواجه می شویم، به خاطر کم کاری و جداسازی ایمان از عمل صالح و فاصله انداختن بین دو بال حرکت به سوی معنویات و کمال انسانی است. وگرنه بسیارند کسانی که با تمسک و همراهی این دو، مراتب والای معنوی را پیمودند و به سر منزل مقصود رسیدند.

### چهار اصل خوشبختی

خداوند در سوره «عصر» ضمن ضروری دانستن همسویی و همراهی ایمان و عمل صالح، چهار فرمول و قاعده برای تحقق انسانیت انسان و رسیدن به سعادت ترسیم نموده و پیمودن هر راهی جز آن را مساوی با خسران و ورشکستگی می داند و می فرماید: سوگند به زمان، همه ی انسانها زیانکار و اهل خسرانند، مگر اینکه چهار اصل را در زندگی خود جاری سازند:

یک: اصل ایمان

دو: اصل عمل صالح

۸۰. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۲۸.

سه: اصل سفارش یکدیگر به حق گرایی  
چهار: اصل سفارش یکدیگر به صبر

### پیام غدیر

در خطبه ی غدیر نیز، گویی پیامبر ﷺ از بلندای تاریخ ما را مخاطب سخنان خویش ساخته و چنین می فرماید: ای شیعیان و محبّان علی! اگر در پی یافتن نمونه و مصداق برای این سوره هستید، به خدا قسم، مولای شما علی ﷺ، نمونه ی کامل این سوره است؛ همو که ایمان و عمل صالح را در زندگی خویش قرین یکدیگر ساخته بود و مردم را به حق و حقیقت دعوت نمود و در برابر شدائد و سختی ها، صبر پیشه نمود.

ای شیعیان علی ﷺ، نباید تصور نمایید که اگر فقط نامی از شیعه را با خود یدک بکشید، همه چیز روبه راه خواهد شد! هرگز چنین نیندیشید؛ چرا که خود علی ﷺ با پایبندی کامل به مقررات دینی، به آنچه شایسته بود، دست یافت.

او نه تنها ایمان و عمل صالح داشت، بلکه فزونی دشمنان و بدخواهان و کم لطفی و بی مروتی زنان به ظاهر مرد آن روزگار و تنهایی و غربت مظلومانه، هیچ گاه او را از ادامه ی مسیر و حرکت در راه اهداف مقدس و متعالی بازداشت و آن حضرت با به جان خریدن انواع تهمت ها و ناجوانمردی ها، و با صبر و سکوت ۲۵ ساله، آنان را به صراط مستقیم، ایمان، عمل صالح و بندگی خدا فرا خواند.



## احترام به سادات

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ،  
ثُمَّ عَلِيٍّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ (الْهُدَى)، يَهْدُونَ إِلَيَّ  
الْحَقَّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ.

هان مردمان! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر  
فرموده و پس از من علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان  
راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت  
کنند



### پنجره‌ای روبه حقیقت

در کوفه مردی بود به نام «ابوجعفر» که هرگاه شخصی از  
سادات علوی از او چیزی می خواست، فوراً به او می داد. اگر پول  
آن را داشت، از او می گرفت و اگر نداشت، به غلامش می گفت:  
بنویس این مبلغ را در حساب علی بن ابیطالب علیه السلام.

مدت ها کار او همین بود، تا اینکه بر اثر فقر و تنگدستی، خانه  
نشین گردید. او در دفتر خود نگاه می کرد، پس اگر می دید یکی  
از بدهکاران زنده است، کسی را نزد او می فرستاد تا طلب خود را  
از او بگیرد و روزگار بگذرانند، ولی اگر می دید مرده است، یا چیزی

ندارد، خطی بر اسمش می کشید.

یک روز همانطور که بر در خانه خود نشسته بود و به لیست دفتر خود نگاه می کرد، یک نفر ناصبی (دشمن اهل بیت)، به مسخره و طعنه و شماتت به او گفت: بدهکار بزرگ تو، علی بن ابیطالب، با تو چه کرد؟

ابوجعفر از سخن ناروای او سخت آزرده شد، برخاست و به خانه رفت. شب هنگام رسول خدا ﷺ را در خواب دید که حسن و حسین ﷺ همراه ایشان بود.

حضرت فرمود: کجاست پدر شما امیرالمؤمنین، ناگاه آن حضرت حاضر شد و گفت: یا رسول الله! حاضرم.

رسول خدا ﷺ فرمود: چرا حق این مرد را نمی دهی؟ امیرالمؤمنین عرض کرد: یا رسول الله! این حق اوست دنیایی اوست که آورده ام. بعد به آن مرد کیسه ای از پشم سفید داد و فرمود: این حق توست.

رسول خدا ﷺ فرمود: بگیر این را و هرکس از فرزندان علی ﷺ نزد تو آمد و چیزی خواست، او را رد نکن. بدانکه بعد از این برای تو فقری نخواهد بود.

ابوجعفر گفت: بیدار شدم در حالی که کیسه در دستم بود. همسرم را بیدار کردم و گفتم: چراغ را روشن کن. چون نگاه کردم، هزار اشرفی در آن بود. وقتی به دفتر خود مراجعه کردم، دیدم تمام دین آن حضرت، همین مبلغ بود؛ نه کمتر، نه زیادتر.<sup>۸۱</sup>  
عید سادات

یکی از ویژگی های شیعیان و دوستان اهل بیت ﷺ احترام و جایگاه ممتازی است که برای منتسبین به پیامبر و اهل بیت ﷺ قائل هستند و همواره در تجلیل، احترام و اکرام آنان می کوشند.

شیعیان با فطرت پاک و خدایی خویش، ندایی درونی آنان را

۸۱. داستان های شگفت، شهید دستغیب، ص ۲۴۷. با اندکی تغییر.





به احترام و ارادت نسبت به وابستگان پیامبر و اهل بیت علیهم السلام فرا می خواند و از اعماق وجود خود، احترام و ارادتی ناخواسته احساس می نمایند که با سرشت نورانی آنان عجین گشته است؛ از این رو در زمان هایی مانند عید غدیر، به زیارت و دیدار سادات رفته، تجدید عهدی با ذریه و خاندان پیامبر می نمایند؛ همانگونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش می فرمود: «عِيَادَةُ بَنِي هَاشِمٍ فَرِيضَةٌ وَ زِيَارَتُهُمْ سُنَّةٌ؛ عیادت بنی هاشم (سادات) واجب و زیارت آنان مستحب است».<sup>۸۲</sup>

البته در عرف همه جوامع، انتساب به رهبران و شخصیت‌ها نوعی امتیاز محسوب می شود و مردم نیز به همین سبب به بستگان آنان نیز احترام می گذارند، ولی رفتار شیعیان، ریشه در باورهای قرآنی، روایات و تجربه هایی دارد که بیانگر عظمت مقام ذریه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و تأثیرات شگرف مادی و معنوی تکریم سادات به دنبال خود آورده است.

خداوند در آیه مودّت می فرماید: «بگو من بر ابلاغ رسالتم که شما را به چنین جایگاهی می رساند، هیچ مزدی جز دوستی با خویشانم از شما نمی خواهم».<sup>۸۳</sup> هنگامی که این آیه نازل شد از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: ای رسول خدا! آنان که خدا به مودتشان فرمان داده، چه کسانی اند؟ فرمود: «علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندان آن دو».<sup>۸۴</sup>

جالب اینکه درباره ی شأن نزول آیه شریفه مودّت، امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجة الوداع به مدینه باز می گشت، مردم شهر مدینه به حضور ایشان شرفیاب شدند و عرض کردند: ای رسول خدا! هجرت شما به مدینه منوره شرف و فضیلتی بزرگ بود که خداوند بزرگ به ما ارزانی داشت، خداوند دوستان ما را با حضور شما در مدینه خشنود

۸۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۷۹.

۸۳. سوره شوری، آیه ۲۳.

۸۴. البرهان فی التفسیر القرآن، ص ۸۲۳.



ساخت و دشمنان ما را ذلیل و خوار گردانید.  
ای پیامبر! برای ما سخت است گروه‌هایی برای رفع مشکلات  
خود نزد شما می‌آیند و شما مالی ندارید تا به آنان بپردازید و چه  
بسا دشمن، ما را شماتت و سرزنش می‌کند. ما دوست داریم یک  
سوم دارایی خود را در اختیار شما قرار دهیم تا هرگاه هیئتی به  
مدینه آمد، شما چیزی داشته باشید تا به آنان بدهید.

پیامبر ﷺ پاسخی به آنان نداد و منتظر شد تا از سوی  
پروردگار فرمانی در این باره صادر شود و آیه ای نازل گردد.  
جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: ای پیامبر! بگو: من هیچ پاداشی  
از شما بر رسالت و پیامبری ام درخواست نمی‌کنم، جز دوست  
داشتن نزدیکانم.

امام صادق علیه السلام در پایان این روایت فرمودند: «منافقان با  
شنیدن این آیه شریفه بر آشفتند و گفتند: خدا این آیه را نازل  
نکرد مگر آنکه پسر عموی پیامبر علی علیه السلام را تقویت نماید و  
اهل بیت او را به ما تحمیل کند. پیامبر دیروز گفت: «مَنْ كُنْتُ  
مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ؛ آن کس که من پیشوای اویم بعد از من علی  
پیشوای اوست». امروز هم می‌گوید: «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا  
الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».<sup>۸۵</sup>

در روایات نیز بر ضرورت و بایستگی رعایت حرمت و شأنیت  
سادات تأکید و بر آثار مثبت و دستاوردهای فراوان آن اشاره  
شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «حَقَّتْ شَفَاعَتِي لِمَنْ  
أَعَانَ ذُرِّيَّتِي بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ مَالِهِ؛ شفاعت من برای کسی که با  
دست و زبان و مال خود به فرزندان من کمک کند، لازم گردیده  
است».<sup>۸۶</sup>

و فرمود: «چهار کس هستند که من در روز قیامت شفیع  
ایشانم، اگر چه آورده باشند گناهان اهل دنیا را: بزرگوار دارنده  
ذریه‌ی من، و برآورنده‌ی حاجت‌های ایشان، و سعی‌کننده از

۸۵ تفسیر نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۷۳.

۸۶ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۷۶.



برای ایشان در وقت اضطرارشان، و دوست دارنده ی ایشان به دل و زبان خود».<sup>۸۷</sup>

همو فرمود: «هر کس یکی از اولاد مرا ببیند و به احترام او از جای برنخیزد، هر آینه به من جفا کرده است».

و در کلام دیگری فرمود: «هر که اولاد مرا ببیند و تمام قامت به پیش پایش برنخیزد، خداوند او را به درد بی درمانی گرفتار سازد».<sup>۸۸</sup>

### تجربه ها و سیره ی بزرگان

روش بزرگان و علماء ربانی نیز بر احترام فوق العاده نسبت به سادات و ذریه ی پیامبر استوار بوده است؛ به گونه ای که این احترام را گامی مؤثر و پیش برنده در سیر و سلوک معنوی خویش می دانستند. مرحوم شیخ حسنعلی اصفهانی که مقامات و مراتب والای معنوی ایشان مشهور است، راز این مهم را چنین می داند: اگر در راه سیر و سلوک به جایی رسیده ام، به برکت بیداری شب و مراقبت در امور مستحب و ترک مکروهات بوده است؛ ولی اصل و روح همه ی اعمال، خدمت به سادات و فرزندان ارجمند رسول خدا ﷺ بوده است.<sup>۸۹</sup>

همچنین یکی از روحانیون که از سادات بود، می گفت: روزی به خدمت مرحوم آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی -از عرفای بزرگ و صاحب نام- رسیدم، در حالی که ایشان در بستر بیماری خوابیده بود. وقتی که وارد شدم فرمود: بیا و در بالای مجلس بنشین. عرض کردم: آقا! فرقی نمی کند، اینجا در خدمت شما هستم.

فرمود: بیا و بالا بنشین. من تا حالا پای خود را به طرف جایی که شال سید یا عمامه سید بوده دراز نکرده ام، حالا بیایم و پایم

۸۷. جامع الأخبار، ص ۱۴۰، فصل ۱۰۱ فی إكرام أولاد النبي.

۸۸. فضائل السادات، علامه سید محمد اشرف، ص ۴۱.

۸۹. نک: نشان از بی نشان ها، شرح حال شیخ حسنعلی اصفهانی.



را به طرف شما دراز کنم.<sup>۹۰</sup>  
و در حالات «آیت الله سیبویه» نقل شده که هرگاه در منبر می‌نشست و سیدی وارد مجلس می‌شد، از منبر پایین می‌آمد و دست سید را می‌بوسید و مجدداً بر منبر می‌نشست. احترام ایشان به سادات تا جایی بود که هرگاه سیدی را ملاقات می‌کرد، به احترامش تمام قد می‌ایستاد و دست ایشان را می‌بوسید و برای او ذکر صلوات می‌داد.

مرحوم سیبویه می‌فرمود: هرچه خداوند به ایشان داده، از برکت احترامی است که نسبت به سادات داشت؛ به طوری که تا به آن سن که نزدیک ۹۰ سال داشت، سوزن رانخ می‌کرد، بدون اینکه احتیاجی به عینک داشته باشد.

### مکتی کوتاه

البته باید توجه داشت که این گونه عرض ارادت و لزوم احترام به سادات، به معنای بی‌عیب و نقص بودن تمامی سادات نیست و بوده و هستند ساداتی که بی‌توجه به مقام و شأن معنوی خود، به ارتکاب گناه مبادرت ورزیده، لکه‌نگی بر دامان اجداد طاهرین خود گردیدند؛ از این رو امام رضا علیه السلام فرمودند: «نگاه کردن به چهره تمامی کسانی که از ذریه و نسل پیامبر صلی الله علیه و آله هستند عبادت است، به شرطی که از راه و روش پیامبر صلی الله علیه و آله رویگردان نباشند و خود را به گناه و معصیت آلوده نکرده باشند».<sup>۹۱</sup>

در هر حال، یکی از جلوه‌های این محبت و مودت نسبت به خاندان پیامبر (ص)، حضور در مزار امامزادگان و بقاع متبرکه و مراکزی است که به نام و یاد آنان وجود دارد و حضور و ادای احترام به آنان، باعث خشنودی پیامبر و اهل بیت (ع) و دستیابی به برکات فراوان مادی و معنوی می‌گردد.

۹۰. همچو سلمان، محمد قنبری، ص ۸۲.  
۹۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۱.



## پیام غدیر

پیامبر اعظم ﷺ در خطبه ی غدیر نیز با یادآوری عظمت و جایگاه نسل علوی و فاطمی، همگان را به لزوم حفظ جایگاه و نگه داری حرمت اهل بیت علیهم السلام فرا خواندند و بر نقش ممتاز و ویژه ی ذریه ی خود در هدایت گری و راه نمایی مؤمنان به راه راست تأکید کردند و فرمودند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ) عَلِيٍّ...؛ هان مردمان! فرزندان هر پیامبر از نسل اویند و فرزندان من از صلب و نسل امیرالمؤمنین علی است. ای مردم، صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده و پس از من علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند».





## فایمل دور از خدا

الَا انَّ اَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِيْنَ ذَكَرَهُمُ اللّٰهُ فِيْ كِتَابِهٖ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ :  
«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ يُوَادُّوْنَ مَنْ حَادَّ اللّٰهَ  
وَ رَسُوْلَهُ وَ لَوْ كَانُوْا اٰبَاءَهُمْ اَوْ اَبْنَاءَهُمْ اَوْ اِخْوَانَهُمْ اَوْ عَشِيْرَتَهُمْ،  
اَوْ لِيْكَ كَتَبَ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْاِيْمَانَ وَ اَيَّدَهُمْ بِرُوْحٍ مِنْهُ وَ يَدْخُلُهُمْ  
جَنّٰتٍ تَجْرٰى مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِيْنَ فِيْهَا رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَ  
رَضُوْا عَنْهُ اَوْ لِيْكَ حِزْبُ اللّٰهِ اِلَّا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ».

آگاه باشید! دوستان اهل بیت کسانی هستند که خداوند در کتابش از آنها چنین یاد فرموده: «نمی‌یابی گروهی را که ایمان به خدا و آخرت داشته باشند و آنها دشمنان خدا و رسول او را دوست بدارند گرچه پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آنها باشند، خدا ایمان را بر صفحه دل‌های ایشان نوشته و به وسیله روحی از ناحیه خودش تأیید و تقویت فرموده و آنها را به بهشتی وارد می‌کند که از زیر درختانش نهرها جاری است، برای همیشه در آن می‌مانند، خداوند از آنها راضی و خشنود و آنان نیز از خداوند خشنودند. آنها حزب خدا هستند، آگاه باشید! که حزب خدا همیشه پیروز و رستگارند».

### پنجره‌ای روبه حقیقت

حارث بن مغیره می‌گوید: در یکی از راههای مدینه با امام صادق علیه السلام ملاقات کردم.

فرمود: آیا حارث هستی؟

عرض کردم: آری. فرمود: بدان که گناهان نابخردان شما، وبال گردن شما دانشمندان خواهد شد. امام این جمله را فرمود و به راه خود ادامه داد.

این جمله فکر و ذهن مرا مشغول کرده بود، به خانه ی امام رفتم و به حضرت عرض کردم: شما چنین جمله ای فرمودید و مرا پربیشان کردید.

حضرت فرمود: چرا وقتی گناهی مشاهده می کنید، ارشاد نمی کنید و شخص را متوجه اشتباهش نمی کنید.

عرض کردم: آقا، آنها حرف ما را گوش نمی دهند.

امام فرمود: «أَهْجُرُوهُمْ وَاجْتَنِبُوا مَجَالِسَهُمْ؛ در این صورت از آنها دوری کنید و در مجالس آنها شرکت نکنید».<sup>۹۲</sup>

## رازهای افزایش عمر

از جمله فضایی که مؤمن باید به آن آراسته باشد، تحکیم پیوند خویشاوندی است که از آن به صله ی رَحِم تعبير می شود و آثار و برکات شگفت انگیزی در طول عمر، افزایش رزق و روزی، جلب محبت، رهایی از مرگ بد<sup>۹۳</sup> و ... دارد. پیامبر اعظم ﷺ در روایتی چنین فرمودند: «مَنْ ضَمَّنَ لِي وَاحِدَةً ضَمَّنْتُ لَهُ أَرْبَعَةً: يَصِلُ رَحْمَهُ فَيَحِبُّهُ اللَّهُ وَ يُوسَّعُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ وَ يَزِيدُ فِي عُمْرِهِ وَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَهُ؛ هر کس برای من یک عمل را ضمانت نماید که انجام دهد، من هم برای او چهار چیز را ضمانت می کنم: صله رحم نماید، خداوند او را دوست خواهد داشت، روزی اش زیاد می گردد، عمرش طولانی می شود و داخل بهشتی که وعده داده شده خواهد شد».<sup>۹۴</sup>

در برخی روایات ذکر شده که برخی افراد از عمرشان سه

۹۲. کافی، ج ۸، ص ۱۶۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ۱۴۵.

۹۳. مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۱۴۳؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۳۶۵.

۹۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۵۰؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۷.



سال بیشتر باقی نمانده، ولی به واسطه ی انجام صله رحم، عمرشان سی سال زیاد می‌شود، و در نقطه ی مقابل، برخی افراد از عمرشان سی و سه سال باقی مانده، ولی به خاطر قطع رحم، عمرشان به سه سال بلکه کمتر از آن کاهش می‌یابد.<sup>۹۵</sup>

به رغم تمامی آثار و برکاتی که در معاشرت و تعامل با دوستان و آشنایان، به خصوص خویشاوندان نزدیک، نصیب انسان می‌گردد، امروزه با توجه به تغییر سبک زندگی، گرفتاری‌های خودساخته و توقعات زیاد، این خصلت دینی با بی‌مهری مواجه شده است.

یکی از عوامل کاهش دید و بازدیدها و باخبر بودن از اقوام و خویشان، توجه نکردن و بی‌مبالاتی آنان به قواعد و معیارهای اخلاقی و دینی و فراهم آوردن زمینه ی گناه و معصیت است که چالش‌های فرساینده و آزاردهنده‌ای را در فرآیند تعامل و معاشرت به وجود می‌آورند که چه بسا شیرینی و حلاوت معاشرت را، به تلخی و تنش مبدل می‌سازد.

کم نیستند افرادی که ماهها و بلکه سال‌ها با برادر، خواهر و حتی والدین خود قطع رابطه کرده و توجیه‌شان این است که روابط ما با آنان جز ناراحتی و اوقات تلخی، استرس و اضطراب و گناه حاصلی نداشته و ندارد.

و باز کم نیستند افرادی که برعکس گروه مذکور، بدون توجه به قواعد معاشرت و مراودات دینی، با اهل معصیت به راحتی آمد و شد داشته و اصل و اساس در ارتباط با خویشان را، هم خونی و علاقه به دور هم جمع شدن و با هم بودن و گفتن و خندیدن و خوش بودن می‌دانند.

بدون شک هر دو گروه یاد شده، بر لبه ی افراط و تفریط گام بر می‌دارند و رفتارشان از منظر دین، محکوم و ناپسند است. آنچه از آموزه‌های دینی به دست می‌آید این است که محور و

۹۵. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۹۹، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۶.



مدار اصلی در معاشرت، انجام واجبات و ترک محرمات است و ارتباط با خویشان، بدون قاعده و ضابطه نیست.

در ارتباط با دوستان و افراد غیر فامیل، تکلیف روشن است و انسان به هیچ عنوان حق ندارد به رابطه هایی که در آنها حریم های شرعی زیر پا گذارده می شوند و انواع گناهان از قبیل غیبت، تهمت، اختلاط با نامحرم، تماس بدنی، بدپوششی حاضران، موسیقی حرام، شبهه پراکنی، توهین به مقدسات و... در آنها رواج دارد، انسان نباید به بهانه های واهی، دچار خودفروشی شده، ایمان و تقوای خود را در معرض آلودگی به ویروس گناه قرار دهد.

اما در قبال خویشاوندان نزدیک همانند والدین، برادر و خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله و کسانی که در دایره ی فامیل نزدیک قابل تعریف هستند، انسان نباید برای راحتی و آسایش خویش، در انجام وظیفه ی شرعی خود کوتاهی نماید و در صورت امکان باید با توصیه و خیرخواهی، آنان را امر به معروف نهی از منکر نماید، ولی اگر این شیوه مؤثر نیفتاد و احساس نماید که ممکن است حضور در جمع آنان، باعث تضعیف باورهای دینی و سستی پایه های ایمان آنان خود او می گردد، در این صورت برای انجام صله رحم، می توان از راهکارهای جایگزین مانند تماس تلفنی یا ارسال پیامک عاطفی و مؤدبانه، حضور کوتاه مدت و دیگر شیوه ها بهره برد تا هم به گناه قطع رحم مبتلا نشد و هم از برکات و آثار صله رحم بهره مند گردید، همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَلَوْ بِسَلَامٍ؛ صله رحم کنید ولو به سلام گفتن»<sup>۹۶</sup> که کنایه از برقراری ارتباط با خویشان به کمترین حد ممکن است.

### پیام غدیر

پیام غدیر برای امروز ما این است که اگرچه دینداری عامل

۹۶. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۴.

تقویت روابط خانوادگی و استحکام رابطه های اخلاقی و عاطفی بین افراد خانواده و نزدیکان می گردد، ولی این بدین معنا نیست که انسان نسبت به بدی و گناه آنان بی تفاوت بماند و چشم خود را بر زشت کاری و رفتارهای ناهنجار و خلاف دین آنان ببندد و این بخش از زندگی آنان را، بی ارتباط با خود بنامد. قرآن نیز به صراحت می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خود را از آتش ننگه دارید».<sup>۹۷</sup>

یعنی انسان نسبت به خویشان خود مسئول است، ولی اگر توصیه ها و رفتارهای او بی تأثیر بوده و آنان اصرار بر انحراف از جاده ی تقوا و دینداری داشته باشند و با پُز روشنفکری بخواهند به نمادها و معیارهای دینی اهانت و دهن کجی نمایند، در این صورت انسان وظیفه دارد از آنان فاصله گرفته و به رابطه ی حداقلی اکتفا نماید.

آخرین فرستاده ی خداوند نیز در خطابه ی غدیر، با استناد به قرآن کریم، یکی از نشانه های مؤمنان و دوستان اهل بیت علیهم السلام را بنیان نهادن حُب و بُغْض و دوستی و محبت، بر اساس وظایف شرعی و پایبندی به قواعد دینی دانسته، می فرماید که افراد با ایمان، از دوستی و ارتباط با شبهه افکنان، بی دینان و دشمنان خدا رویگردان هستند؛ اگرچه این افراد از نزدیک ترین افراد به آنها باشند، ولی وجود علقه های عاطفی، باعث دنباله روی از گمراهی و غفلت آنان نخواهد گردید.





## سایه محبت

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ:  
الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ  
مُهْتَدُونَ

بدانید که دوستان اهل بیت علیهم السلام کسانی هستند که خداوند ایشان را چنین توصیف فرموده: «کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به ظلم و شرک نیالوده اند، آنها برخوردار از امن و امان خواهند بود و آنها هدایت شدگانند».

### پنجره‌ای روبه حقیقت

علی عشقش آقا بود. هر روز به اتاق ایشان می رفت. دوست داشت با عینک و ساعت آقا بازی کند. یک روز که ساعت و عینک آقا را برداشته بود، به علی گفتند: «علی جان! عینک چشم هایت را اذیت می کند. زنجیر ساعت هم خدای ناکرده ممکن است به صورتت بخورد. صورتت مثل گل است. ممکن است اتفاقی برایت بیفتد».

علی عینک و ساعت را به امام داد و گفت: خوب بیایید یک بازی دیگر بکنیم. من می شوم آقا، شما بشوید علی کوچولو. فرمودند: «باشد». علی گفت: خوب بچه که جای آقا نمی نشیند. امام کمی خودشان را کنار کشیدند. علی کنار امام نشست و گفت: بچه که نباید دست به عینک و ساعت برند. آقا خندیدند و عینک و ساعت را به علی دادند و گفتند: «بگیر تو بُردی.»<sup>۹۸</sup>

۹۸. برداشت هایی از سیره امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۲۶.

## سایبان عشق

اسلام، ازدواج را باعث آرامش و فضای خانه را فضایی آکنده از مهر و محبت می‌خواهد.<sup>۹۹</sup> فضایی که در آن، همه به یکدیگر با دید احترام و حفظ شأن نگریسته، از بی ادبی، توهین و ناسزا، فحش و بدگویی، عصبانیت و درگیری، اختلاف و تنش، قهر و دعوا و خلاصه از هر گونه ظلم و ستمی مبرا است.

اساساً نظام هستی بر اساس مهر و محبت پروردگار به انسان پدید آمده است. اگر محبت نبود، نه طلوعی بود و نه غروبی، نه بهاری بود و شکفتن گلها و نه نغمه های شورانگیز بلبلان، نه کوهساری وجود داشت و نه آبشاری، نه امواج غلطان دریاها به چشم می خورد و نه ستارگان در آسمان ها چشمک می زدند.

انسان اگر خواهان داشتن خانواده استوار، لذت بردن از زندگی، کودکان با نشاط و پویا است، اگر می خواهد استعداد های خداداد آنان شکوفا گردد و روح امید و اعتماد و تلاش و کوشش در آنان زنده شود، شرطش آن است که زندگی خانوادگی را از مهر و محبت لبریز و سرشار نموده، در و دیوار خانه را با صفا و صمیمیت آذین بندی نماید.

هنگامی که رسول خدا ﷺ می فرماید: «هیچ بنایی در نزد پروردگار محبوب تر از بنای خانوادگی نیست»،<sup>۱۰۰</sup> بدیهی است که منظور خانواده ای است که لبریز از مهر و محبت باشد، و آنگاه که فرمود: «مرد مسلمان پس از اسلام فایده ای برتر و والاتر از همسری مسلمان به دست نیاورده است. همسری که هر گاه به او می نگرد سراسر وجودش از شادی و سرور لبریز می گردد، هر گاه از او چیزی را طلب می کند از او اطاعت می کند و در غیبت شوهرش، با همه ی وجود، از ناموس و مال او پاسداری می



۹۹. «وَمِن آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً، و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.» سوره روم، آیه ۲۱.  
۱۰۰. «مَا بِيْ بِنَاءِ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّرْوِيجِ.» بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲.

نماید». <sup>۱۰۱</sup> پرواضح است که این گونه ارتباط استوار و صمیمی، جز در پرتو مهر و محبت زن و شوهر به یکدیگر امکان پذیر نیست. پیوندهای عاطفی است که زن و شوهر را به وحدت و یگانگی سوق داده هر دو یکی می شوند و دوگانگی و اختلاف و درگیری از میان برداشته می شود، وگرنه در زندگی مشترک اگر تنها بر حقوق قانونی و شرعی تکیه شود و هر کدام از زوجین بخواهند خود را ملزم به انجام آن مقدار که قانون و شرع معین کرده، نمایند، بی شک تلخی آن زندگی، به مراتب بیشتر از لذت ها و خوشی های آن خواهد بود.

و اینکه در برخی از روایات از همسر با عنوان «انیس موافق» تعبیر شده است، بدین معناست که زن و مرد در محیط خانوادگی، باید با یکدیگر دوست صمیمی و مونس و همدم یکدیگر باشند. ناگفته پیداست که رسیدن به این هدف، جز در پرتو دوستی و صمیمیت خالصانه امکان پذیر نیست. <sup>۱۰۲</sup>

بنابراین، محبت، بنیان و اساس خانواده است و همانگونه که اگر عشق و محبت نباشد، گرایش به ازدواج نیز معنا نمی یافت، تداوم زندگی نیز نیازمند انرژی پیوسته از سرچشمه ی مهر و محبت است.

زندگی خانوادگی ائمه علیهم السلام و بزرگان ما نیز سرشار از عطوفت و مهربانی و عشق و محبت نسبت به اعضای خانواده بود و در عمل و گفتار، پیروان خود را نیز به چنین رفتاری تشویق می کردند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله می فرمود: «بهترین زنان شما، زن هایی هستند که دارای عشق و محبت باشند» <sup>۱۰۳</sup> و در مورد مردها می فرمود:

«هرکس از دوستان ما باشد، به همسرش بیشتر اظهار

۱۰۱. «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمًا فَانْدَهُ بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلُ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَطَعِبَهُ إِذَا أَمْرَهَا وَتَحَفَّظَهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ». کافی، ج ۵، ص ۳۲۷، ح ۱.

۱۰۲. نک: احمد بهشتی، تربیت کودک در جهان امروز، ص ۱۳۶.

۱۰۳. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.



محبت می‌کند و نیز هرچه ایمان انسان کامل‌تر باشد، محبت به همسرش را بیشتر می‌کند.<sup>۱۰۴</sup> و در مورد مهرورزی به کودکان می‌فرمود: «آنکه نسبت به کوچک (کودکان) ما رحمت نداشته باشد و بزرگ ما را گرامی ندارد، از ما نیست».<sup>۱۰۵</sup>

همو فرمود: «قَوْلَ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ «إِنِّي أَحِبُّكَ» لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛ مردی که به زنش بگوید: من تو را دوست دارم، [اثر این سخن] هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود».<sup>۱۰۶</sup> و خطاب به مردان هشدار می‌داد که نباید فریفته‌ی زور و بازوی خود گردند و به بهانه‌های واهی، بر زنان ستم روا دارند. آنجا که فرمود: «هر مردی که یک سیلی به صورت همسرش بزند، خدای عز و جل به «مالک» که مأمور دوزخ است، دستور می‌دهد در آتش جهنم، هفتاد سیلی به گونه او بزند».<sup>۱۰۷</sup>

### دیوارهای فاصله

اما به راستی زندگی‌های امروزی چنین است؟ آیا فضای خانه‌های همسران بر اساس شیفتگی و دلدادگی است؟ چه اتفاقی افتاده که بسیاری از زندگی‌های امروزی، فرسنگ‌ها با آنچه اسلام عزیز ترسیم کرده، فاصله دارد؟

پاسخ خداوند روشن و متقن است؛ ظلم و ستم. می‌فرماید از آنجا که شما به یکدیگر ستم روا داشته، حقوق یکدیگر را پایمال کرده و از سبک زندگی دینی فاصله گرفته‌اید، نتیجه و پیامدی جز ناآرامی، تشویش دائمی، بی‌مهری و افسردگی و نگرانی و ناراضی‌تانی نخواهید داشت.

شاید معنای ظلم را به خوبی درک نکرده‌ایم و به ذهن ما خطور نکند که شاید ما هم کارهایی انجام می‌دهیم که ناخواسته



۱۰۴. همان، ص ۲۲۳ و ۲۲۸.  
 ۱۰۵. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۶۷.  
 ۱۰۶. همان، ج ۱۴، ص ۱۰.  
 ۱۰۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

و ندانسته، گره به زندگی انداخته، زلال زندگی را متلاطم ساخته ایم.

ظلم شوهر نسبت به زیردستان و به ویژه ظلم به زن و بچه با تقسیم محبت در محل کار، کوچه و خیابان و دوستان،<sup>۱۰۸</sup> حضور کمرنگ و بی رمق در خانه،<sup>۱۰۹</sup> رعایت نکردن ادب گفتاری و رفتاری،<sup>۱۱۰</sup> در مضیقه قرار دادن عمدی خانواده با وجود دارایی و ثروت،<sup>۱۱۱</sup> شکستن حرمت و جایگاه مادر خانه<sup>۱۱۲</sup> و... آیا ظلم نیست؟ درخواست های نابجا مثل پوشش نامناسب یا چیزهایی که در توان شوهر نیست و باعث سلب آسایش و آرامش شوهر و به تبع آن خانواده می گردد، آیا ظلم و بی انصافی زن در حق شوهر نیست؟ چه ستمی از این بالاتر که برای کم نیاوردن پیش خویشان، دوستان و همسایگان، شوهر را از صبح تا شب سراغ شغل های متعدد بفرستد و خانه ای که باید محل امن و آسایش باشد، به خوابگاه و میدان نبرد مسلحانه بین زن و شوهر و والدین و فرزندان تبدیل نمایند؟

آیا کلافگی و بی حوصلگی و محبت نورزیدن به فرزندان، جمع آوری مال از راه حرام و تغذیه کودک معصوم و بی گناه از آن، که بستر بزهکاری و خلاف را در او مهیا می نماید، آیا ستم به کودکان نیست؟ آیا با توجیه خسته بودن و نداشتن حوصله، قرار دادن موبایل و تبلت و انواع بازیها در اختیار کودکی که نیاز اصلی او محبت دیدن و بازی کودکانه با والدین خود است، آیا ستم به کودک نیست؟ و آیا...

۱۰۸. امام صادق(ع): «زن برای موفقیت در زندگی مشترک با همسر خویش از مراعات سه چیز ناگزیر است... [که از جمله آنها] اظهار عشق و محبت به همراه طنازی و دلربائی و جلوه گری برای شوهر محبوب خویش است». بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷؛ تحف العقول، ص ۳۲۳.

۱۰۹. در حالی که پیامبر اکرم(ص) می فرمود: «نشستن مرد در کنار همسرش، از اعتکاف در این مسجد النبی محبوب تر است». تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.

۱۱۰. مولای متقیان می فرمایند: «از گفتن سخنان مستهجن و ناپسند بپرهیز که دل را بر از خشم و کینه می کند». عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۱۴.

۱۱۱. پیامبر(ص): «هر کس که خداوند بر او نعمتی ارزانی داشت، بر خانواده خودش وسعت و گشایش دهد، وگرنه آن نعمت در شرف نابودی قرار خواهد گرفت». من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶.

۱۱۲. امام صادق(ع) به نقل از رسول خدا(ص): «حق فرزند بر پدر آن است که مادرش را مسرور و خشنود گرداند». المحجة البیضاء، ج ۳ (کتاب آداب الصحبة و المعاشرة)، ص ۴۴۲، فروع کافی، ج ۶، باب حق الأولاد، ص ۴۸.





## پیام غدیر

در سایه سار محبت و ایمان است که آرامش در خانه به دست خواهد آمد و در چنین فضایی است که زوجین برای یکدیگر ایثارگری و جانفشانی می کنند و با از خودگذشتگی، تحمل مشکلات و نادیده گرفتن ضعف ها، زندگی شیرین و دلنشینی را برای خود و فرزندانشان مهیا می سازند؛ همانگونه که پیامبر مهربانی و رحمت صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر، شرط رسیدن به امن و آرامش و وصول به شاهراه هدایت راه، ایمان همراه با دوری از ظلم و ستم دانسته اند؛ بدین معنا که اگر خواهان آرامش، صفا و صمیمیت و مهر و محبت در خانواده هستید، از ظلم به یکدیگر پرهیز نمایید تا آرامش و خوشی در دنیا و سعادت در آخرت نصیب شما گردد و از آثار ویرانگر ظلم به خانواده در امان بمانید و گرنه «هر مرد یا زنی که همسرش را بیازارد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد، شبها عبادت کند، بندها آزاد نماید و مالها در راه خدا انفاق کند، تا آن گاه که همسرش را از خود راضی ننماید، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نمی پذیرد».<sup>۱۱۳</sup>



## چشم به راه منجی

إِلَّا أَنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.

آگاه باشید! اوست که پیشینیان از قرن‌ها پیش به ظهور او بشارت داده‌اند.

### پنجره‌ای رو به حقیقت

باد ملایمی می وزید. پرچم سبز رنگی که بر بام خانه بود، موج برداشت. حیاط خانه بزرگ بود. همه جای آن را آب و جارو زده بودند. قسمتی از حیات، با بوریای و حصیر فرش شده بود. جمع زیادی، لباس سفید به تن داشتند. آنها رو به قبله ایستاده بودند و دسته جمعی به دعا گوش می دادند.

دعای سمات عصر جمعه تمام شد. شیخ علی کتابش را بست و به سوی حوض آب راه افتاد. همه نگاهها به یکدیگر بود. تا غروب زمان زیادی نمانده بود، اما هنوز خبری نبود. شخصی به بغل دستی اش تلنگری زد و ابرو بالا انداخت و چشمش را به سوی «شیخ علی» چرخاند. شیخ علی را به او نشان داد و گفت: «حتماً شیخ خیالاتی شده است، آن طور که او می گوید باید تا حالا پیدایش می شد». بلند شد و رو به شیخ ایستاد. صدایش را بلند کرد و گفت: «پس چرا نیامد؟ دیر زمانی است که چشم به راه هستیم و خبری نیست؟ باید به خانه هایمان بازگردیم.

شیخ علی دانه های تسبیحش را آرام می چرخاند و لبانش پیوسته به هم می خورد. او در جواب مرد گفت: «دیر نشده، کو



تا غروب؟»

«شیخ علی» آبی به صورتش زد. چشمان روشن و نافذی داشت. شانه چوبی کوچکی را از جیب جلیقه اش درآورد. ریش جو گندمی اش را مرتب کرد. صورتش خنک شد. سرش را بالا گرفت. نگاهش در راه پله ای که به پشت بام میرفت، ایستاد. کسی را دید. او را شناخت. قلبش هری ریخت. اشکهایش جاری شد. در همان حال که اشک می ریخت، لبخندی روی لبش بود. رو به جمعیت کرد و گفت: «آقا آمد.» و با دست پشت بام را نشان داد. سرها بالا رفت. سر و صدا شد. میان جمعیت رفت. از آنان خواست آرام باشند. مرد قصاب کنار شیخ بود و اشک می ریخت. سر و صدای جمعیت کم شد. صدایی از پشت بام آمد. همه ساکت شدند. صدا را همه شنیدند. مرد قصاب را به اسم خواند و از او خواست، به پشت بام برود. مرد قصاب حرکت کرد و رفت. طولی نکشید خون از ناودان بام جاری شد. نگاه ها در هم گره خورد. نفس ها در سینه حبس شد. همه هاج و واج به هم نگاه می کردند. ترس در چشم همه خانه کرده بود.

دوباره همان صدا آمد. هنوز خون از ناودان می چکید. این بار شیخ را خواست. نوبت شیخ علی بود. چشمان شیخ علی درخشید. دستش را روی سرش گذاشت. دندان هایش آشکار شد. از میان جمعیت گذشت. در چند لحظه خودش را به پشت بام خانه رساند. گویا زمان ایستاده بود. چشم ها دوباره به سوی ناودان رفت. این بار نیز در برابر نگاه ناباورانه ی آنان، ناودان پر از خون شد. خون گرم از ناودان خانه می آمد. سنگفرش حیاط رنگین شده بود. هول و هراس به تن همه راه یافته بود.

آیا شیخ علی به دست امام زمان علیه السلام کشته شد؟ هیچکس از جمعیت نمی دانست روی پشت بام چه خبر است. هر کس فکر می کرد الان است که اسم او خوانده شود. شخصی که رنگش پریده بود، خودش را جابه جا کرد و بلند گفت: «تکند او امام



نباشد.» و به سوی در حیاط دوید. قیل و قال جمعیت فضا را پر کرد. همه به سوی در حیاط هجوم بردند. گویا اژدها به دنبال آنهاست. همه زور می زدند و تقلا می کردند تا از در و دیوار بالا روند و فرار کنند.

شیخ علی تا نزدیک امام شد، خودش را روی پاهای امام انداخت. با اشاره امام بلند شد. ابوصالح قصاب لاشه ی گوسفندی را که سر بریده بود، از کنار ناودان می کشید. شیخ علی به کمک او رفت. لاشه را پیش لاشه گوسفند اول گذاشتند. امام به شیخ علی گفت: «برو نزد مهمان هایت و از آنان بخواه تا نزد من آیند».

شیخ علی خوشحال شد. به حیاط برگشت. هنوز به حیاط خانه نرسیده بود که بلند بلند گفت: «بشارت.» و سرش را بالا گرفت. حرفش ناتمام ماند. چشمان او گشاد و پاهایش سست شد. چه می دید؟ حیاط خانه خالی و ساکت بود. هیچکس را ندید. در حیاط باز بود. گرد و خاک زیادی در حیاط و کوچه به هوا برخاسته بود. باورش نمی شد. صورتش گر گرفت. به یاد آن روز و حرف هایش افتاد. در آن روز امام به شکل عربی رهگذر از او پرسیده بود: «شیخ علی چرا این قدر ناراحتی؟ می بینم مدت هاست به اینجا می آیی و در این گوشه خلوت می کنی و ناله و گریه سر می دهی. مشکل چیست؟» شیخ علی در جواب امام که فکر کرده بود از عرب های چادر نشین اطراف است، گفته بود گناه همه جا را گرفته است، ظلم بیداد می کند، چرا امام زمان عجل الله فرجه ظهور نمی کند؟ در حدیث خوانده ام وقتی یاران واقعی امام به تعداد جنگجویان و یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر برسد، امام زمان عجل الله فرجه ظهور خواهد کرد. در صورتی که فقط در شهر حله، امام زمان عجل الله فرجه بیش از هزار نفر جنگجو دارد. آنان همه پا به رکاب و آماده جانفشانی اند.

آنگاه امام خودش را معرفی کرده و به او گفته بود: من امام



زمان (عج) تو هستم. در شهر حله، من دو یار واقعی بیشتر ندارم که یکی تو و دیگری ابوصالح قصاب است و امام از شیخ علی خواسته بود برای آنکه حقیقت برایش آشکار شود، به شهر حله برود و با مشورت و کمک ابوصالح قصاب از میان آن هزار نفر، چهل نفر که فکر می کنند از بهترین ها هستند، برگزینند و از آنها دعوت کنند تا عصر جمعه در منزل او جمع شوند تا با آنان ملاقات کند. امام دستور داده بود قبل از آمدنش دو گوسفند به دور از چشم دیگران به پشت بام خانه اش ببرد و آنها را آنجا ببندد. شیخ علی حالا به حقیقت حرف های امام پی برده بود. او می دید از آن چهل نفر، حتی یک نفر نمانده بود.<sup>۱۱۴</sup>

### آرمان شهر مهدوی

بر اساس آموزه های دینی، قیام تمام انبیاء و اولیاء برای رسیدن به حیات طیبه و تشکیل آرمان شهر مهدوی بوده و همگی آن برگزیدگان الهی، به مقتضای موقعیت مکانی و زمانی خویش، این وظیفه را به بهترین نحو ممکن به انجام رساندند.

گاهی به روایات و تفاسیر وارد شده، نمایانگر این حقیقت است که در بستر تاریخ، انقلاب اسلامی ایران، مقدمه ای برای رسیدن به حیات طیبه و تداوم بخش همان آرمان الهی است.

بر اساس فرموده ی معصومین علیهم السلام، ایرانیان ایمان آورندگان واقعی و پرچمداران ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشند که در دوره ی آخر الزمان با وجود تمام سختی های و دست اندازهای موجود در مسیر تقوا و ایمان، به عهد جانانه ی خویش با پروردگار باقی می مانند و به تبعیت از مردی به نام «روح الله»، دین را بر تمام جهانیان عرضه کرده، بستر ظهور و تحقق مدینه فاضله ی موعود را فراهم می آورند.

روزی اصحاب در حضور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نشستند که

۱۱۴. انتظار نوجوان، دی ۱۳۸۶، شماره ۳۰، ص ۸، به قلم محمدحسین یوسفی چناری.





این آیه نازل شد: «وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...» و دیگرانی که هنوز به آنان نپیوسته‌اند و خداوند شکست‌ناپذیر و داناست».<sup>۱۱۵</sup>

اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! آن مردمی که خداوند درباره‌ی آنان وعده فرموده که بعداً به اسلام ملحق خواهند شد، چه کسانی هستند؟

حضرت، دست مبارکش را بر پشت سلمان فارسی گذاشت و فرمود: «آنان هموطنان سلمان هستند که اگر اسلام در آسمان و در ستاره‌ی ثریا باشد، مردمان قوم سلمان به آن ایمان خواهند آورد و بدان خواهند پیوست».<sup>۱۱۶</sup>

همچنین وقتی آیه‌ی «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيُؤْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ؛ اگر آنان به اسلام و قرآن کافر شوند، ما آن را به قومی که بدان کافر نیستند واگذار می‌کنیم»<sup>۱۱۷</sup> نازل شد، اصحاب از رسول خدا (ص) پرسیدند: آنها چه کسانی هستند؟

آن حضرت فرمود: «القوم بالشیعة أو اولاد العجم؛ شیعیان و فرزندان عجم [ایرانیان]».<sup>۱۱۸</sup>

آن حضرت همچنین خطاب به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «آنها قومی هستند که به واسطه‌ی «روح الله» به یکدیگر محبت می‌ورزند (دل‌هایشان به هم نزدیک می‌شود)، بدون آنکه اغراض مادی یا خویشاوندی داشته باشند؛ آنها شیعه تو هستند و تو امامشان هستی».<sup>۱۱۹</sup>

همچنین روزی رسول خدا ﷺ در بین جمعی از اصحاب خود، دو بار فرمودند: «خدایا دیدار برادرانم را نصیبم کن».

اصحابی که دور حضرت بودند، گفتند: ای رسول خدا، آیا ما

۱۱۵. سوره جمعه، آیات ۳-۴.

۱۱۶. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۹۲.

۱۱۷. سوره انعام، آیه ۸۹.

۱۱۸. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۹.

۱۱۹. «هُم قَوْمٌ تَحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ أَسْبَابٍ وَلَا أَمْوَالٍ...». سنن الکبری، نسائی، ج ۶، ص ۳۶۲؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۴۹؛

کنز العمال، ج ۹، ص ۱۵؛ بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۳۹.

برادران شما نیستیم؟ حضرت فرمودند: «خیر، شما یاران من هستید. برادران من قومی هستند که در آخرالزمان به من ایمان می آورند در حالی که مرا ندیده اند...»

آنها کسانی هستند که پایداریشان بر دین خود، از راه روندهی بر خار مگیلان و از نگهدارندهی آتش سوزان در دست بیشتر است. آنها در ظلمات، چراغ های هدایت اند و خداوند آنها را از هر فتنه ای در زمین پر از ظلمت نجات می دهد.<sup>۱۲۰</sup>

### پیام غدیر

فرازهای مختلفی از خطبه غدیر به تبیین خط سیر شیعه و بشارت به ظهور منجی و قائم آل محمد اختصاص دارد و اینکه پس از دورانی سخت و طاقت فرسا، وعده های الهی مبنی بر ایجاد مدینه فاضله و زندگی بر اساس فضیلت و تقوا، تحقق خواهد یافت. آن حضرت در فرازهای پایانی خطبه فرمود: «أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ؛ آگاه باشید که آخرین امام، مهدی قائم از ماست؛ او بر همه ی ادیان پیروز خواهد شد؛ کسی بر او چیره نخواهد شد و بر او پیروز نگردد؛ او جرعه نوش و پیمانگیر از دریای بیکران (علوم بی نهایت الهی) است؛ او وارث تمام دانش ها و احاطه دارنده بر همه ی فهم ها و ادراک هاست؛ او راه یافته و استوار است؛ هموست که امور همه ی مردم به او واگذار شده است؛ إِلَّا أَنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ آگاه باشید که تمامی گذشتگان به ظهور او بشارت داده اند و...».

اینک ما در عصر امامت آن حضرت، توفیق حضور در کشوری که با ذکر و نام مقدس آن حضرت عجین شده است را یافته ایم، زمانی که می توانیم یاری گر دین خدا و سربازی مفید و واقعی برای آن حضرت باشیم، به شرطی که ضمن آشنایی با وظایف خود، به بایدها و نبایدهای شرعی عمل نماییم. امام زمان عجل الله فرجه نیز

۱۲۰. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۲۱.



از ما چیزی جز بندگی حقیقی خدا و دوری از گناه، احترام نهادن به مقررات شرعی و پایبندی به دستورات الهی نمی خواهند؛ لذا خودشان فرمودند: «فَيَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَاقُرْبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَلِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهِيَّتِنَا وَسَخَطِنَا...» سعی کنید اعمال شما طوری باشد که شما را به ما نزدیک سازد و از گناهان که موجب نارضایتی ما را فراهم می نماید، دوری کنید.<sup>۱۲۱</sup>

و در سخنی دیگر فرمودند: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِهَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛ عِلَّتْ دَوْرِي مَا أَزْ أَنْانِ چيزی نیست جز آنچه از کردار آنان به ما می رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.»<sup>۱۲۲</sup>

ان شاء الله همه ی ما در سایه ی تقوا و پرهیزگاری، با بصیرت و روشن بینی و با پیروی از جانشین امام زمان عجل الله فرجه، رهبر معظم انقلاب اسلامی، بتوانیم به نقش و وظیفه ی خود عمل نماییم و در زمره ی یاران واقعی حضرتش قرار گیریم، همانگونه که امام خامنه ای دام ظلّه در تبیین وظایف منتظران آن حضرت فرمودند:

بزرگترین وظیفه ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده ی دفاع از ارزش ها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته ی اسلام است، می تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدان های خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می بازند و زانوانشان سست می شود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می اندازد، انجام

۱۲۱. احتجاج مرحوم طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۵.

۱۲۲. احتجاج، ج ۲، ص ۲۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.



دهند؛ اینها چطور می‌توانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟  
کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های  
صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح  
بایستد.<sup>۱۳۳</sup>



۱۳۳. بیانات معظم له در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصالای تهران، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰.

## نشانه‌های اهل ایمان

نُبَايِعُكَ عَلَىٰ ذَٰلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنفُسِنَا وَأَلْسِنَتِنَا وَأَيِّدِنَا. عَلَىٰ ذَٰلِكَ نَحْيِي وَعَلَيْهِ نَمُوتُ وَعَلَيْهِ نُبْعَثُ. وَلَا نَغَيِّرُ وَلَا نَبْدُلُ، وَلَا نَشْكُ (وَلَا نَجْحَدُ) وَلَا نَرْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ.

با تو پیمان می بندیم با دل و جان و زبان و دست هایمان. با این پیمان زنده ایم و با آن خواهیم مرد و با آن اعتقاد برانگیخته می شویم و هرگز آن را دگرگون نکرده شک و انکار نخواهیم داشت و از عهد و پیمان خود بر نمی گردیم.

### پنجره‌ای روبه حقیقت

جمعی در حضور رسول خدا ﷺ نشستند بودند که حضرت فرمود: هم‌اکنون از این جاده، مردی از اهل بهشت می آید. نگاه‌ها به سمت جاده دوخته شد. مردی از انصار که صورت و محاسنش را با وضویی که گرفته بود، پاکیزه نموده و کفش‌هایش در دست چپش بود، نزدیک آمد و سلام کرد.

فردای آن روز، یک بار دیگر پیامبر فرمود: هم‌اکنون از این جاده شخصی می آید که اهل بهشت است. همان مرد انصاری دیروزی بود! روز سوم نیز همین قصه تکرار شد.

شخصی به نام «عبدالله» که کنجکاو شده بود راز بهشتی بودن او را بفهمد، به آن مرد گفت: من با پدرم بگومگو کردم و سوگند یاد کردم که سه روز نزدش نروم. اگر اجازه بفرمایی، این سه روز را همراه شما باشم. آن مرد نیز اجازه داد.





عبدالله می گوید: من در این سه روز (آن مردی را که پیامبر او را اهل بهشت معرفی می کرد، خوب امتحان کردم) دیدم یک آدم معمولی است؛ شب برای شب زنده داری بلند نشد و فقط هر وقت به این طرف و آن طرف می غلتید، ذکر خدا می گفت. صبح برای نماز صبح برخاست و نمازش را خواند و غیر از سخن نیک، سخن دیگری از او نشنیدم. شب دوم و سوم نیز به طور معمول گذشت. تصمیم گرفتم عمل او را کوچک بشمارم. به او گفتم: ای بنده خدا! راستش بین من و پدرم کدورتی نیست که سه روز از او فاصله بگیرم، ولی شنیدم پیامبر تو را اهل بهشت معرفی کرد، خواستم ببینم عمل تو چیست که تو را اهل بهشت نموده است، ولی اکنون عمل بسیاری از تو ندیدم و تو را یک آدم معمولی یافتم. حال بگو بدانم چه کاری تو را به این مقام رسانده؟

گفت: راز بهشتی بودن من آن نیست که از من دیدی، بلکه جهت و سببش این است که [در کنار عمل به واجبات و وظایف شرعی] به احدی از مسلمانان خیانت نمی کنم و به هیچ کس از افرادی که خداوند به آنها نعمت سرشار داده، حسد نمی برم.<sup>۱۲۴</sup>



### زبان زیبا، رفتار نازیبا

نگاهی به آموزه های دینی و تجربه های تاریخی به ما می آموزد که صرف انتساب به یک دین یا فلان شخصیت و مقام، یا حتی همراهی و همنشینی با او، ضامن پایان سعادت مند و عاقبت به خیری ختم نخواهد شد، مگر آنکه انسان از این همراهی، بهره های حقیقی ببرد و از بستر مهیا شده، برای کسب فضایل و فراهم نمودن زندگی سعادت مندانه استفاده نماید. بسیاری از افرادی که افتخار همنشینی و یار پیامبر بودن را در کارنامه خود داشتند، ولی به تدریج از ایشان فاصله گرفتند و به بیراهه رفتند. دلیل آن این است که مسلمانان و افراد منتسب به دین، چند گونه اند:

۱۲۴. ورام ابن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۲۶.

بعضی مسلمان جغرافیایی هستند؛ یعنی فقط در ایران و در کشور اسلامی زندگی می کنند و اسماً مسلمان است، ولی در او خبری از عقائد و اعمال اسلامی نیست.

بعضی مسلمان نژادی هستند؛ یعنی پدر و مادرشان مسلمان بوده است و آنها هم بالتبع مسلمان هستند. مانند بعضی که در شناسنامه ها که مذهب را ذکر می کردند، می گفتند مسلمان بنویسید

ولی بعضی مسلمان واقعی هستند و رفتار و گفتار و سبک زندگی آنان به گونه ای است که همه به مسلمانی او گواهی می دهند.<sup>۱۲۵</sup>

امروزه چند میلیارد مسلمان داریم که همگی منتسب به دین پیامبر و مدعی پیروی از آن حضرت هستند. به راستی آیا اطلاق نام زیبای «مسلمان» بر تمام آنان، جفا به اسلام نیست؟ آنانی که مقهور هواهای نفسانی و غرق در لذات دنیا، مشغول عیش و نوش و شهوترانی، مشغول قتل عام کودکان، زنان و مردان بی گناه و بی دفاع برای جلب رضای الهی؛ عده ای دیگر تارک نماز و دور از هرگونه آداب عبادی و سبک زندگی دینی، بی توجه به حلال و حرام زندگی و...

در روایتی زیبا، پیامبر اعظم ﷺ راز این تفاوت در دینداری و گونه های مختلف مسلمان را تبیین کرده و فرمودند: «لَيْسَ الْإِيمَانُ بِاللِّحْلِ وَلَا بِالْتَّمَنِيِّ وَ لَكِنَّ الْإِيمَانَ مَا خَلَصَ فِي الْقَلْبِ وَ صَدَّقَهُ الْأَعْمَالُ؛ ایمان به داشتن ظاهر دینداران یا آرزو کردن آن نیست. ایمان، آن است که در قلب نفوذ کرده و اعمال و رفتار نیز آن را تصدیق می نماید».<sup>۱۲۶</sup>

یعنی ادعای ایمان تنها در صورتی واقعی خواهد بود که جلوه های آن در رفتار و اعمال انسان بروز کند. آن حضرت به خوبی می دانستند که برخی فقط در زبان مسلمان هستند و تنها آن

۱۲۵. برگرفته از درس تفسیر قرآن آیت الله مکارم، ۹۲/۲/۲۶.

۱۲۶. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۷۲.



قسمت هایی از دین که منافاتی با خوشی و هوا و هوس آنان ندارد را می پذیرند. چنین افرادی حاضر نیستند به تمامی ضوابط و قواعد دین گردن نهند و با بهانه و توجیهاات خودساخته، از مسئولیت های شرعی خود فرار می کنند.

امروزه کم نیستند افرادی که ساعات طولانی روزه ماه رمضان را با نشستن پای ماهواره کوتاه می کنند!!

نماز می خواند، ولی از موسیقی حرام، شوخی و ارتباط آزاد با نامحرم، رقص در عروسی و جشن ها هم دل نمی کند!

با تمسک به جمله ی اشتباه «دل باید پاک باشد»، از سر و ته حجاب خود می زند و بیشتر از آنکه به زنان عقیفه و محجبه شبیه باشد، به بی حجابان و بدحجابان شباهت دارد.

خود را مسلمان می نامد، ولی خیانت در امانت، تهمت و تمسخر دیگران و دروغ های شادارش برای مزه پرانی در جمع یا خنداندن دیگران را همه می شناسند.

در هیئت ها و عزای امام حسین علیه السلام شرکت می کند و به عشق حضرت عباس علیه السلام پول زیادی هم خرج می کند، ولی بی مبالاتی در جمع مال، پول های نزول، گرفتن وام های متعدد با رشوه و پارتی بازی او، نقل جلسات است.

عجیب تر آنکه برخی پول نزول می کنند تا وظیفه شرعی خود را بجا آورند و با عمل نمودن به وظیفه شرعی خود!! به دیدار خانه خدا مشرف شوند!

خداوند این افراد به ظاهر زرنگ و کسانی که همواره تلاش می کنند از راه میانبر به هدف برسند و دین و دنیا که نه، دین و هوس های خود را با هم داشته باشند را، در زمره ی کسانی می داند که گویی خدا را قبول ندارند و اصلاً مسلمان نیستند. خداوند می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا؛ کسانی هستند که به خدا و پیامبرانش



کافر می شوند و می خواهند میان خدا و پیامبرانش جدایی افکنند و می گویند که بعضی را می پذیریم و بعضی را نمی پذیریم و می خواهند در این میانه راهی برگزینند».<sup>۱۲۷</sup>

### پیام غدیر

پیامبر ﷺ در خطبه ی غدیر تأکید می کنند که از دین شناسنامه ای و لقلقه ی زبانی، پا را فراتر بگذارید و در زمره ی مسلمانان حقیقی و کسانی که به مقام ایمان حقیقی نائل شده اند، بپیوندید؛ از این رو، آن حضرت پس از آنکه حضرت علی علیه السلام را به عنوان یک نمونه ی عینی از مؤمنان واقعی معرفی کردند، فرمودند: «علی علیه السلام کسی است که به تمام قواعد و مقررات دین پایبند است. شما هم اگر می خواهید پیرو دین محمد صلی الله علیه و آله باقی بمانید، باید به چنین ایمانی چنگ بزنید و با تمام وجود به آن معتقد شوید و بر توفیق دینداری، پایدار و صادق بمانید».



پیام غدیر برای امروز من و شما همین است که ای شیعیان و دوستداران علی علیه السلام، امروز باید با امام زمان علیه السلام خودتان عهد ببندید؛ عهد و پیمانی واقعی که از گناه دوری کنید و از آنچه باعث رنجش خاطر و ناراحتی ایشان می شود، بپرهیزید. این عهد را نه تنها با زبان، بلکه با قلب و در رفتار و عمل خویش به اثبات برسانید، تا شیعه بودن و از نسل غدیر بودن شما، مایه ی مباحثات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام گردد و خشنودی و رضایت امام زمان علیه السلام را به دست آورید، همانگونه که آن قفل ساز با پایبندی عملی به دین به این مهم دست یافت، آن هنگام که آن دانشمند و عالم، پس از مدتها چله نشینی و مناجات برای یافتن توفیق دیدار با امام زمان علیه السلام، در یکی از حالات معنوی، به او گفته شد: دیدن امام زمان علیه السلام برای تو ممکن نیست، مگر آنکه به فلان شهر سفر کنی. هرچند این مسافرت مشکل بود، ولی

۱۲۷. سوره نساء، آیه ۱۵۰.

در راه رسیدن به مقصود آسان می نمود. روان شد. بعد از چند روز به آن شهر رسید.

در آنجا نیز به ریاضت مشغول شد و چله گرفت. روز سی و هفتم یاسی و هشتم به او گفتند: الان حضرت بقیة الله، امام زمان عجل الله فرجه در بازار آهنگران، در دکان پیرمردی قفل ساز نشسته است. هم اکنون برخیز، شرفیاب شو.

با اشتیاق از جا بلند شد و روانه دکان پیرمرد شد. وقتی رسید، دید حضرت ولی عصر عجل الله فرجه آنجا نشسته است و با پیرمرد گرم گرفته و سخنان محبت آمیز می گوید. همین که سلام کرد، حضرت پاسخ فرمود و اشاره به سکوت کرد. در این حال دید پیرزنی ناتوان و قد خمیده عصازنان آمد و با دست لرزان، قفلی را نشان داد و گفت: ممکن است برای رضای خدا این قفل را به مبلغ سه شاهی بخرید که من به سه شاهی پول نیاز دارم.

پیرمرد قفل را گرفت و نگاه کرد، دید بی عیب و سالم است، گفت: خواهرم! این قفل دو عباسی (هشت شاهی) ارزش دارد؛ زیرا پول کلید آن بیش از ده دینار نیست. شما اگر ده دینار (دو شاهی) به من بدهید، من کلید این قفل را می سازم و ده شاهی قیمت آن خواهد بود. پیرزن گفت: نه، به آن نیازی ندارم. شما این قفل را سه شاهی از من بخرید، شما را دعا می کنم.

پیرمرد با کمال سادگی گفت: خواهرم، تو مسلمانی، من هم که مسلمانم؛ دعا می کنم. چرا مال مسلمان را ارزان بخرم و حق کسی را ضایع کنم. این قفل اکنون هشت شاهی ارزش دارد. کم اگر بخواهم منفعت ببرم، به هفت شاهی می خرم؛ زیرا در معامله دو عباسی بیش از یک شاهی منفعت بردن بی انصافی است. اگر می خواهی بفروشی، من هفت شاهی می خرم و باز تکرار می کنم قیمت واقعی آن دو عباسی است. چون من کاسب هستم و باید نفعی ببرم، یک شاهی ارزان تر می خرم. پیرمرد هفت شاهی پول به آن زن داد، قفل را خرید.





همین که پیرزن رفت، امام به من فرمود: آقای عزیز! دیدی و این منظره را تماشا کردی؛ این طور شوید و این جوری شوید تا ما به سراغ شما بیاییم. چله‌نشینی لازم نیست، عمل سالم داشته باشید و مسلمان باشید تا من بتوانم با شما همکاری کنم. از همه این شهر، من این پیرمرد را انتخاب کردم؛ زیرا این مرد دین دارد و خدا را می‌شناسد؛ این هم امتحانی که داد. از اول بازار، این پیرزن عرض حاجت کرد و چون او را محتاج و نیازمند دیدند، همه در مقام آن بودند که ارزان بخرند و هیچ‌کس حتی سه شاهی نیز خریداری نکرد و این پیرمرد به هفت شاهی خرید. هفته‌ای بر او نمی‌گذرد، مگر آنکه من به سراغ او می‌آیم و از او دلجویی و احوالپرسی می‌کنم».<sup>۱۲۸</sup>

اللهم عجل لولیک الفرج؛  
والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین



۱۲۸. سیدجعفر رفیعی، ملاقات با امام عصر، تهران، نشر یاران قائم علیه‌السلام، ۱۳۷۶، صص ۲۶۸-۲۷۱؛ محمدرضا باقی اصفهانی، عنایات حضرت مهدی(ع) به علما و طلاب، ص ۲۰۲.





پریشامہ



## پرسشنامه

۱. سنت حسنه عید گرفتن روز غدیر، توسط چه کسی بنا نهاده شد؟

الف: امام حسن مجتبی (ع)

ب: امام باقر (ع)

ج: پیامبر اعظم (ص)

د: امام رضا (ع)

۲. جایگاه سخنرانی پیامبر (ص) در غدیر خم را چه کسانی آماده ساختند؟

الف: سلمان - ابوذر - عمار

ب: ابوذر - سلمان - مقداد

ج: مقداد - ابوذر - مقداد

د: ابن مسعود - ابوذر - عمار

۳. کدام گزینه جزء حوادث و اتفاقات پس از انتخاب امیر المؤمنین (ع) به ولایت است؟

الف: بیعت عمومی با زبان

ب: شعرخوانی حسان بن ثابت

ج: به درک واصل شدن اولین مخالف ولایت

د: همه موارد





۴. عبارت «هنئونی؛ به من تبریک بگوید...» از زبان چه کسی بیان گردید؟

الف: امیر المؤمنین علیه السلام

ب: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

ج: جبرئیل امین

د: گزینه ۱ و ۲

۵. «مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم حجت را بر مردم تمام نکرد» سخن چه کسی است؟

الف: حضرت زهرا علیها السلام

ب: حضرت علی علیه السلام

ج: امام حسین علیه السلام

د: امام رضا علیه السلام

۶. با توجه به الگوی زندگی علوی و فاطمی در بحث ازدواج، کدام گزینه مخالف رضایت الهی و سبک زندگی آنان است؟

الف: سختگیری های بیجا

ب: جهیزیه های بسیار زیاد

ج: مخارج کمر شکن

د: همه موارد

۷. به گفته ی «ابن عباس»، به چه علت امیر المؤمنین علیه السلام «مرتضی» نامیده شد؟

الف: چون مورد رضایت خدا و رسولش بود

ب: چون از خدا و رسولش راضی بود

ج: چون در تمام کارها دنبال جلب رضایت الهی بود

د: گزینه ۱ و ۲



## ۸. کدام جمله نادرست است؟

الف: صرف انتساب به دین یا شخصیت های دینی، ضامن سعادت است

ب: بسیاری از افراد افتخار همنشینی با پیامبر ﷺ را داشتند

ج: رفتار مسلمانان، به مسلمانی آنان گواهی میدهد

د: گزینه ۲ و ۳

## ۹. جمله ی «برای خداروزی است که هرزه گوینان در آن زیان می بینند» سخن کدام امام است؟

الف: امام علی علیه السلام

ب: امام سجاد علیه السلام

ج: امام صادق علیه السلام

د: امام حسن عسکری علیه السلام

## ۱۰. به فرموده ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، تحقق دینداری واقعی به چیست؟

الف: آرزوی دیندار بودن

ب: ظاهر دینداران داشتن

ج: انجام اعمال عبادی

د: نفوذ در قلب به همراه تصدیق با رفتار

## ۱۱. کدام گزینه جزء سرمایه های انسان به شمار میرود؟

الف: معنوی-مادی

ب: شخصیتی و روحی روانی

ج: علمی-فکری

د: همه موارد



۱۲. کدام اعمال باعث افزایش اندوخته های معنوی انسان می گردد؟

- الف: صله رحم و دستگیری از نیازمندان
- ب: ترنم زبان و دل به اذکار و ادعیه
- ج: انجام کارهای صالح و خداپسندانه
- د: همه موارد

۱۳. به فرموده ی قرآن کریم، مزد زحمات چندین ساله ی پیامبر ﷺ چیست؟

- الف: بهشت برین
- ب: مقام شفاعت
- ج: دوست داشتن اهل بیت ایشان
- د: مقام محمود

۱۴. برای در امان ماندن از سرقت سارقان معنویت، چه باید کرد؟

- الف: تقوا و خودنگهداری حقیقی
- ب: پیروی از راه علی علیه السلام
- ج: تمسک به نماز و قرآن
- د: گزینه ۱ و ۲

۱۵. کدام گزینه از دلایل وانگیزه های تمسخر دیگران به شمار می آید؟

- الف: پول و ثروت
- ب: شکل و قیافه ظاهری
- ج: حسادت و بدخواهی
- د: همه موارد



۱۶. کدام آیه به استهزاء و آزار مشرکین مکه نسبت به پیامبر ﷺ اشاره دارد؟

الف: سوره بقره، آیه ۱۳

ب: سوره جاثیه، آیه ۸

ج: سوره فرقان، آیه ۴۱

د: سوره توبه، آیه ۶۵

۱۷. کدام امام علیه السلام پیرامون ترندهای شیطان در جهت نادیده انگاری گناهان کوچک، هشدار دادند؟

الف: امام کاظم علیه السلام

ب: امام صادق علیه السلام

ج: امام حسن علیه السلام

د: امام رضا علیه السلام

۱۸. به فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله، خداوند چه کسی را با صورت به جهنم می‌اندازد؟

الف: دشمن امیرالمؤمنین علیه السلام

ب: تارک نماز

ج: کسی که به زن خود برای انجام گناه و رفتار نامناسب دینی اجازه دهد

د: گزینۀ ۱ و ۲

۱۹. رهبر معظم انقلاب، پیرامون لزوم هوشیاری انسان متقی در برابر شیطان به کدام آیه استناد کردند؟

الف: سوره نور، آیه ۱۵

ب: سوره زلزال، آیه ۷

ج: سوره اعراف، آیه ۲۰۱

د: سوره بقره، آیه ۹



## ۲۰. شیوهی ارتباط با فامیل دور از خدا چگونه می تواند باشد؟

الف: تماس تلفنی

ب: پیامک مؤدبانه و عاطفی

ج: حضور کوتاه مدت

د: همه موارد

## ۲۱. آیه ۶ سوره ی تحریم، به کدام مسئولیت انسان با ایمان اشاره دارد؟

الف: مسئولیت نسبت به خویشان

ب: مسئولیت نسبت به اقامه نماز

ج: امر به معروف و نهی از منکر

د: رعایت حجاب و پوشش اسلامی

## ۲۲. پیامبر اکرم ﷺ اسیر جنگی را به خاطر چه ویژگی هایی مورد عفو قرار دادند؟

الف: صبر، سخاوت، غیرت ناموسی، محبت به خانواده

ب: راستگویی، شجاعت، غیرت ناموسی، سخاوت

ج: غیرت ناموسی، سخاوت، حسن خلق، راستگویی، شجاعت

د: شجاعت، محبت به خانواده، حسن خلق، صلح رحم

## ۲۳. محتوای کدام گزینه صحیح است؟

الف: علی علیه السلام مصداق ایمان و عمل صالح است

ب: ایمان و عمل صالح قرین و همراه هم هستند

ج: عمل صالح، بازتاب بیرونی ایمان واقعی است

د: همه موارد





۲۴. با توجه به سخنرانی پیامبر در خطبه غدیر، پس از توحید و نبوت، مهمترین فریضه کدام گزینه است؟

الف: نماز

ب: عدل الهی

ج: معرفت و پذیرش ولایت اهل بیت

د: گزینه ۱ و ۲

۲۵. «خداوند لعنت کند کسی را که غیرت نمی‌ورزد» معنای این سخن حضرت علی علیه السلام چیست؟

الف: لزوم حفظ حریمها

ب: مراقبت از خانواده

ج: غیرت ورزی بجا و شایسته

د: همه موارد

۲۶. به فرموده‌ی پیامبر در خطبه غدیر، پیامد مخالفت با سیره و سخن امیر مومنان علیه السلام چیست؟

الف: انحراف از دین

ب: لغزش گامها پس از استواری

ج: بدعاقبتی و جهنمی شدن

د: همه موارد

۲۷. با توجه به محتوای سوره «عصر»، چهار اصل خوشبختی کدامند؟

الف: ایمان، عمل صالح، محبت اهل بیت، اقامه نماز

ب: ایمان، عمل صالح، سفارش به حق‌گرایی، سفارش به صبر

ج: اقامه نماز، عمل به واجبات، سفارش به حق‌گرایی، محبت اهل بیت

د: امر به معروف، نهی از منکر، ایمان، سفارش به حق‌گرایی



۲۸. روایت «در وقت نماز، هیچ کار دنیایی شمارا به خود مشغول نسازد» از کیست؟

الف: امام هادی علیه السلام

ب: امام باقر علیه السلام

ج: امام علی علیه السلام

د: امام جواد علیه السلام

۲۹. برای رهایی از هجمه های روانی و تخریب های ضد دینی اطرافیان، چه راهکارهایی رامیتوان برگزید؟

الف: انس با نماز و قرآن

ب: تقویت باورهای دینی از طریق مطالعه آثار دینی

ج: ذکر و یاد مداوم خداوند

د: همه موارد

۳۰. آیه مودت در کدام سوره و آیه ذکر شده است؟

الف: سوره بقره، آیه ۲۵۶

ب: سوره شوری، آیه ۲۳

ج: سوره بینه، آیه ۶

د: سوره دخان، آیه ۱۸

۳۱. یکی از جلوه های محبت و مودت نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله چیست؟

الف: حضور در مزار امامزادگان و بقاع متبرکه

ب: صدقه دادن برای سلامتی امام زمان علیه السلام

ج: امر به معروف و نهی از منکر

د: اهمیت دادن به وظایف دینی



۳۲. «در بستر تاریخ... مقدمه ای برای رسیدن به... و تداوم بخش همان... است»، کلمات جایگزین به ترتیب کدامند؟

- الف: انقلاب اسلامی، آرمان الهی، حیات طیبه  
ب: حیات طیبه، انقلاب اسلامی، آرمان الهی  
ج: انقلاب اسلامی، حیات طیبه، آرمان الهی  
د: انقلاب اسلامی، آرمان الهی، حیات طیبه

۳۳. به فرموده‌ی پیامبر ﷺ، آیه سوم سوره جمعه درباره چه کسانی نازل شده است؟

- الف: ایرانیان (هموطنان سلمان)  
ب: مردم آخر الزمان  
ج: اعراب  
د: گزینه ۱ و ۲

۳۴. گزینه‌ی صحیح کدام است؟

- الف: نیش و کنایه‌ها، نوعی اعتراف به ابّهت دینداران است  
ب: انتقادهای بیجا و ظالمانه، نوعی تحسین در لباس مُبدل است  
ج: در پرتو ایمان، انسان دارای قدرت و احترام نزد دیگران خواهد شد  
د: همه موارد

۳۵. اولین پرسش حضرت زهرا(س) پس از آمدن خواستگار چه بود؟

- الف: رضایت خدا به این ازدواج  
ب: رضایت داشتن پیامبر ﷺ  
ج: پول و ثروت خواستگار  
د: همه موارد



۳۶. مهمترین جلوه‌ی بندگی خدا کدام گزینه است؟

الف: نماز

ب: حجاب

ج: پذیرش ولایت

د: پرداخت واجبات مالی

۳۷. شعر « کیست مولا آن که آزادت کند... » از کیست؟

الف: حافظ

ب: سعدی شیرازی

ج: مولوی

د: فردوسی

۳۸. در چه صورتی محیط خانه، آرام و پُر از محبت و دلداری خواهد شد؟

الف: محوریت رضایت الهی در زندگی

ب: رعایت قوانین الهی توسط زن و شوهر

ج: داشتن امکانات مادی فراوان

د: گزینه ۱ و ۲

۳۹. انتظارات امام زمان عجله الله فرجه از شیعیان چیست؟

الف: دوری از گناه

ب: بندگی حقیقی خدا

ج: پایبندی به دستورات الهی

د: همه موارد



۴۰. به فرموده‌ی امام خامنه‌ای دامنه‌الله مهم‌ترین وظایف منتظران  
ظهور چیست؟

الف: آماده‌سازی زمینه‌های صلاح در خود

ب: آمادگی برای دفاع از ارزش‌ها و میهن اسلامی

ج: آمادگی معنوی، اخلاقی و عملی

د: همه موارد





## توضیحات شرکت در مسابقه کتابخوانی غدیر درس زندگی

شرکت کننده ی محترم!

ضمن تبریک بمناسبت عید سعید غدیر خم حضور گرم شما را در مسابقه کتابخوانی «غدیر درس زندگی» ارج نهاده و توجه شما را به نکات ذیل جلب می نمایم.

- ۱- شرکت برای عموم علاقه مندان بالای ۱۲ سال آزاد است.
- ۲- رونویسی از پاسخنامه دیگران شرعاً جایز نیست.
- ۳- با مطالعه دقیق کتاب، پاسخ پرسشهای مطرح شده را در پاسخنامه درج نمایید.
- ۴- مشخصات خود را بطور کامل در محل کادر مربوطه در پاسخنامه با ذکر نام استان، شهر، آدرس دقیق پستی، کد پستی و شماره تماس ثابت و همراه درج نمایید در غیر این صورت در قرعه کشی شرکت داده نخواهد شد.
- ۵- کپی پاسخنامه در صورت عدم تغییر در اندازه مورد قبول است.
- ۶- مهلت ارسال پاسخنامه حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۸/۳۰ می باشد.
- ۷- تاریخ اعلام نتایج ۱۳۹۳/۰۹/۰۹ می باشد. برندگان ویژه دو هفته بعد از اعلام نتایج فرصت دارند مشخصات درخواستی را اعلام نمایند، در غیر این صورت از لیست برندگان کنار گذاشته خواهند شد و هیچ مسئولیتی عهده دار برگزار کنندگان مسابقه نمی باشد.

- ۸- شرکت کنندگان می توانند از طریق ارسال پاسخنامه، به آدرس پستی: قم- صندوق پستی ۱۶۸-۳۷۱۳۵ در مسابقه شرکت نمایند.
- ۹- قرعه کشی مسابقه همزمان با ولادت امام موسی کاظم (ع) انجام و از طریق سایت معاونت فرهنگی و اجتماعی به نشانی [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir) و نیز سایت مجتمع فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی و اجتماعی به نشانی [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir) اعلام خواهد شد.



# جوایز مسابقه کتابخوانی غدیر درس زندگی



کمک هزینه حج عمره  
کمک هزینه عتبات عالیات  
کمک هزینه مشهد مقدس  
قلم گویای قرآنی  
وبسته های ارزشمند فرهنگی

## فرم پاسخنامه مسابقه کتابخوانی

### غدیردرس زندگی

\* نام: .....

\* نام پدر: .....

\* کد ملی: .....

\* تاریخ تولد: .....

\* تحصیلات: .....

\* تلفن ثابت (با کد) و همراه: .....

\* کد پستی: .....

\* نشانی دقیق پستی: .....

.....

.....

الف	ب	ج	د	
				۲۱
				۲۲
				۲۳
				۲۴
				۲۵
				۲۶
				۲۷
				۲۸
				۲۹
				۳۰
				۳۱
				۳۲
				۳۳
				۳۴
				۳۵
				۳۶
				۳۷
				۳۸
				۳۹
				۴۰

الف	ب	ج	د	
				۱
				۲
				۳
				۴
				۵
				۶
				۷
				۸
				۹
				۱۰
				۱۱
				۱۲
				۱۳
				۱۴
				۱۵
				۱۶
				۱۷
				۱۸
				۱۹
				۲۰

تذکر: در صورت عدم تکمیل مواردی که با علامت (\*) مشخص شده اند در قرعه کشی شرکت داده نخواهد شد.





غدیر  
یک مسأله اسلامی  
است؛ یک مسأله  
فقط شیعی نیست... نمی شود  
ما بگوییم که از غدیر و حدیث  
آن، فقط شیعه استفاده کند؛  
اما بقیه مسلمانان از محتوای  
بسیار غنی ای که در این کلام شریف نبوی  
وجود دارد و مخصوص  
یک دوره هم نیست،  
بهره نبرند.

حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)



سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگی و اجتماعی

